



فصل نامه تخصصی کتابخانه بزرگ  
حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی &  
سال بیست و ششم | شماره ۱۰۱-۱۰۲ | پاییز و زمستان ۱۳۹۹

## ملاحظات و تصحیحات (۱۴)

محمد کاظم رحمتی \*

### چکیده

بررسی نسخه های خطی کتابت شده توسط عالمان امامی در مناطق مختلف چون جبل عامل، عراق عرب و بحرین قدیم، می تواند دانش و آگاهی ما درباره حال عالمان امامی در ادوار گذشته را وسعت بخشد. در نوشتار حاضر با توجه به همین مطلب، نکاتی درباره برخی عالمان امامی تدوین شده است که به نحو مشخص اطلاعاتی درباره علی بن شجاع کرکی، شهید ثانی، سید عبدالحسین الحجّة از نسخه های خطی متعلق به این افراد تدوین شده است. نسخه بسیار مهمی به نام التاج از میراث کرامیه خراسان به تازگی شناسایی شده است که بر اساس آن می توان نکاتی در شرح حال یکی از عالمان کرامی آمده در کتاب السیاق را که در نسخه فعلی بدست ما رسیده، با تصحیف همراه است را اصلاح کند. بخش بعدی نوشتار بحثی درباره مسئله خلق قرآن در سنت زیدیه بر اساس بخش منتشر نشده کتاب الجامع الکافی ابو عبدالله علوی است و نشان داده شده که چگونه با بررسی اطلاعات آمده در آن می توان اصالت یکی از رساله های منسوب به عالم نامدار زیدی قاسم بن ابراهیم رسی (متوفی ۲۴۶) را مورد بررسی قرار داد. در آخرین بحث، از نسخه جدیدی بدست آمده از کتاب تاریخ یعقوبی و اهمیت آن سخن رفته است.

### کلیدواژه ها

تشیع، عالمان امامیه، کتاب التاج، کرامیه، قاسم بن ابراهیم رسی، ابو عبدالله علوی، زیدیه.

\* استادیار بنیاد دایرة المعارف اسلامی.



## فقیهان مهاجر عاملی به ایران در عصر صفویه و روابط درونی آنها

از نکات قابل بحث درباره گسترش تشیع در عصر صفویه، مهاجرت فقیهان امامی از نواحی مختلف شیعه نشین خارج از قلمرو صفویه به ایران است و البته در این میان نقش فقیهان جبل عامل مورد توجه و اهتمام محققان عصر صفویه بوده است. با این حال هنوز درباره بسیاری از فقیهان مهاجر به ایران و نام و نشان آنها کارهای فراوانی مانده که باید صورت گیرد و فهرستی که شیخ حر عاملی از فقیهان عاملی مهاجر به ایران آورده، تنها بخشی از نام فقیهان مهاجر است. نکته بعدی در خصوص فقیهان مهاجر عاملی، روابط مختلف آنها با یکدیگر است؛ ساده ترین شکل روابط مورد بحث، پیوند های خویشاوندی است، اما روابط علمی و یا کتابت نسخه جهت یکدیگر نیز یکی دیگر از جنبه های روابط و ارتباط میان فقیهان عاملی است که درباره آن بر اساس نسخه های کتابت شده می توان سخن گفت. از میان فقیهان مهاجر عاملی به ایران، علی بن شجاع کرکی فردی است که شناخت چندانی از او نداریم، با این حال شماری از نسخه های خطی که او کتابت کرده، به ما امکان می دهد تا روابط علمی او با دیگر فقیهان عاملی معاصرش را بشناسیم.

در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۸۸۸۹ع نسخه ای از رساله شهید ثانی با عنوان الدنيا مزرعة الآخرة شهید ثانی موجود است، که علی بن شجاع کرکی آن را در پگاه روز دوشنبه ششم ربیع الاول ۹۸۹ کتابت کرده و در آخر نسخه اشاره نموده که نسخه را به جهت سید حسین بن حیدر کرکی عاملی (متوفی ۱۰۴۱) کتابت کرده است. سید حسین بن حیدر کرکی از عالمان مهاجر عاملی به ایران است، که از شاگردان نزدیک شیخ بهایی بوده و ظاهراً در سفرهای او و احتمالاً سفر حج نیز شیخ بهایی را همراهی کرده باشد. بیشترین شهرت او به واسطه مجموعه اجازات موجود در کتابخانه وزیری یزد است. از مجموعه اخیر ابراهیم حرفوشی نسخه ای کتابت کرده و نسخه اخیر در اختیار علامه محمد باقر مجلسی بوده و در بخش اجازات بحار از آن استفاده کرده است. افتادگی و برخی اشکالات در نسخه ای که حرفوشی کتابت کرده، باعث شده تا همان خطاها به بخش اجازات بحار الانوار راه یابد. مطلب دیگر درباره سید حسین بن حیدر کرکی، شیفتگی او به کتابت است و تملک او بر شمار فراوانی از نسخه های خطی آمده است. انجامه نسخه ۸۸۸۹ع کتابخانه آستان قدس رضوی چنین است:

«... تَمَّت مقدمة الدنيا مزرعة الآخرة، تأليف الشيخ الفاضل الكامل العالم العامل خاتمة المجتهدين، المرحوم الشيخ زين الدين تغمده الله تعالى برحمته وأسكنه بمبوحه جنته بمحمد وآله وعترته، علي يد الفقير إلى الله الغني، علي بن شجاع الكركي، للسيد الفاضل الكامل العالم العامل التقي النقي حسين ابن السيد حيدر الحسيني الكركي، وفقه لمراضيه ومنحه ما يرضيه بمحمد وآله وذرياره وغفر الله لنا ولوالدينا وله ولوالديه بمحمد وآله الطاهرين وكان ذلك ضحوة الاثنين سادس من شهر ربيع الأول سنة ٩٨٩»<sup>١</sup>.

از ديگر آثاری که علی بن شجاع کرمی کتابت کرده، مجموعه ٣٤٢د، در کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران مشتمل بر الاستغاثه فی بدع الثلاثة با انتساب به ابن میثم بحرانی و کتاب منهاج الكرامة علامه حلی موجود است، که کتابت رساله اول را در روز جمعه ٢٩ جمادی الثاني ٩٨٥ و رساله دوم را در روز جمعه هفتم محرم ٩٨٧ به پایان رسانده است. وی در انجامه رساله نخست در اشاره به زمان فراغت از کتابت نسخه چنین نوشته است:

«... وكان الفراغ من تعليقه طلوع الشمس نهار الجمعة المبارك تاسع والعشرين من شهر جمادي الآخر سنة ٩٨٥ اقل العباد واحوجهم إلى رحمة ربه الغني علي ابن شجاع الكركي غفر الله له ولوالديه ولجميع المؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والأموات انك (مجيب؟) الدعوات غفور رحيم» (١١٤ الف).

در برگ ١١٤ ب، عنوان رساله بعدی که منهاج الكرامة است، توسط علی بن شجاع چنین کتابت شده است:

«کتاب منهاج الكرامة في معرفة الامامة، کاتبه لنفسه الفقير الحقير المعترف بالذنب والتقصير علي بن شجاع الكركي سنة ٩٨٧».

در انجامه منهاج الكرامة نیز تاریخ فراغت از استنساخ نسخه آمده، جز آنکه مکان کتابت نسخه ذکر نشده است. علی بن شجاع در انجامه منهاج الكرامة چنین نوشته است:

١ اسامة آل جعفر بر اساس همین نسخه، رساله الدنيا مزرعة الآخرة شهيد ثانی را تصحیح کرده و در مجله تراثنا، العدد الرابع (١٧)، السنة الرابعة، شوال ١٤٠٩، ص ٢١١-٢٣٠ منتشر کرده است.



«فقد تَمَّتْ المقدمة الشريفة المسماة بمنهاج الكرامة في معرفة الامامة ظهر نهار الجمعة سابع من شهر المحرام الحرام سنة ۹۸۷ سبعة وثمانين وتسعمائة هجرية على مشرفها الصلوة والسلام على يد الاقل الاذل المعترف بالذنب والتقصير علي شجاع الكركي بصره الله عيوب نفسه وجعل يومه خيراً من امسه بمحمد وآله».

نسخه بعدها در تملک محمد شفیع استرآبادی در ۱۰۷۳ بوده و در برگ ۱۱۴ ب تملک و خرید نسخه توسط خود را چنین ذکر کرده است:

«لقد انعم الله عز وجل على عبده الضليل بتملیک هذا الكتاب في اليوم الرابع والعشرين من شهر شعبان المعظم من الشهور سنة ثلاثة وسبعين بعد الالف من الهجرة الشريفة صلوات الله على مشرفها وآله وانا الفقير الى الله الغني الهادي محمد شفيع بن محمد علي الاسترآبادي عفى الله عنه وعن المؤمنين».

سپس نسخه در تملک پسرش محمد قاسم بن محمد شفیع استرآبادی بوده و چند یادداشت دال بر تملک بر نسخه نوشته است،<sup>۱</sup> از جمله در جایی که تاریخ تملک را ۱۰۹۰ ذکر کرده است: (بسم الله الرحمن الرحيم؛ قد دخل في نوبة الفقير الحقير المحتاج الى رحمة الله الغني محمد قاسم بن محمد شفيع الاسترآبادي سنة ۱۰۱۹). تاریخ اخیر را باید برعکس یعنی ۱۰۹۰ خواند که گاه برخی افراد به این شکل تاریخ را در نسخه ها یادداشت کرده اند، از جمله رساله هفتم مجموعه ۷۵۸ د دانشگاه الهیات تهران که کاتب تاریخ ۹۹۰ را ۰۹۹ نوشته است.<sup>۲</sup> استرآبادی این دو بیت را نیز در انجامه جلد نخست کتاب الاستغاثة نوشته است:

تعريف على بگفتگو ممکن نیست گنجایش بحر در سبو ممکن نیست  
من ذات على بواجبی نشناسم اما دانم که مثل او ممکن نیست<sup>۳</sup>

۱ متأسفانه من تنها دو برگ از این نسخه را در اختیار دارم. در برگ ۱۱۴ ب نیز این یادداشت در خصوص تملک نسخه توسط استرآبادی آمده است: «من تملکات الفقير الحقير المحتاج الى رحمة رب الهادي محمد قاسم بن محمد شفيع الاسترآبادي».

۲ بنگرید به: سید محمد باقر حجتی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ج ۱، ص ۱۰۹۳.

۳ بنگرید به: سید محمد باقر حجتی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، ص ۲۸۲.

## مجلدی از کتابخانه شهید ثانی

خوشبختانه در سالهای اخیر، به لطف تحقیقات و مطالعات فراوانی که درباره زین الدین بن علی عاملی مشهور به شهید ثانی (متوفی ۹۶۵) انجام گرفته، دانسته های ما درباره این فقیه متنفذ امامی دو چندان شده است. بخش مهمی از اطلاعات درباره شهید ثانی، از لابه لای نسخه های خطی آثار او و شاگردانش بدست آمده است. به لطف تحقیقات انجام شده، اکنون می دانیم که در میان شاگردان شهید ثانی، ملا محمود بن محمد بن علی بن حمزه لاهیجانی، شخصیتی است که دست کم از ۹۵۳ تا آخر عمر شریف شهید ثانی و دستگیری او در مکه در ۹۶۵ همراه و یار وی بوده است. ملا محمود لاهیجانی گزارش های خود درباره ماجرای دستگیری شهید ثانی را در انتهای مجلدی از کتاب مسالک الافهام که در همان سال دستگیری شهید ثانی در ۹۶۵ کتابت کرده، به نحو مجملی آورده و به تلاش های خود برای رهایی شهید ثانی از دست مقامات عثمانی نیز اشاره کرده است، که البته ناموفق بوده است. نقش دیگری که ملا محمود لاهیجانی در حادثه اخیر ایفا کرده، حفظ و نگهداری مجلداتی از کتابهایی بوده که شهید ثانی در هنگام حج همراه خود داشته است. از این کتابها تاکنون دو نسخه را شناسایی کرده ام که به تفصیل از آنها در کتاب فقیهان امامی و شهریاران صفوی: جستارهای در تاریخ تشیع (تهران: نگارستان اندیشه، ۱۳۹۹ش) سخن گفته ام. اکنون نسخه ای دیگر از کتابهایی که همراه شهید ثانی بوده و ملا محمود لاهیجانی آنها را حفظ و نگهداری کرده، بدست آورده ام.

در کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران به شماره ۲۴۱ ب، مجموعه ای موجود است که همه آن به جز رساله پنجم که الحاقی است و بعدها به مجموعه افزوده شده، همگی به یک خط است، البته نام کاتب تنها در پایان یکی از رساله ها آمده است، یعنی رساله سوم. رساله اول مختصر النافع محقق حلی و رساله دوم الجعفریة محقق کرکی است. در برگ ۲۰۰ ب که یک برگ خالی بعد از اتمام رساله الجعفریة محقق کرکی است، در حاشیه فوقانی عبارتی آمده که البته اکنون بخشی از آن زیر وصالی رفته است که چنین است: «للشیخ السعید الشهد الشیخ زین الدین». رساله سوم، رساله محقق کرکی در صیغ العقود و الایقاعات است و تنها





اثری از چهار رساله حاضر است که کاتب آن یعنی ملا محمود لاهیجانی، تاریخ و مکان فراغت از کتابت نسخه را متذکر شده است. وی در انجامه رساله اخیر (برگ ۲۲۳ ب) به نحو کوتاهی چنین نوشته است:

«قد اتفق الفراغ من نسخه افقر خلق الله الى العفو الرحمانى محمود بن محمد اللاهيجانى فى بلد المصنف سنة ۹۵۲ حادى عشر المحرم الحمد لله رب العالمين والصلوة ...».

تاریخ اخیر از این حیث که زمان حضور ملا محمود لاهیجانی در کرک نوح را در ۹۵۲ نشان می دهد ارزشمند است و اطلاع جدیدی است. در برگ بعدی یعنی برگ ۲۲۴ در هر دو نیمه اطلاعات مهمی آمده است. در ۲۲۴ ب، یادداشت کاملی در خصوص تعلق نسخه به شهید ثانی توسط لاهیجانی به شکل کامل در گوشه فوقانی نسخه چنین کتابت شده است: «للشيخ السعيد الشهيد الشيخ زين الملة والدين عليه (الرحمة) والرضوان من الملك المنان».

در برگ ۲۲۴ الف یادداشتی از شهید ثانی آمده که در زمان حیات شهید ثانی توسط ملا محمود لاهیجانی کتابت شده است (بیان الطريق الى تصحيح المقارسة ...). و ملا محمود لاهیجانی در زیر آن نوشته است: «نقل عن خط الشيخ زين الدين سلمه الله تعالى».

رساله چهارم مجموعه ۲۴۱ ب که ملا محمود لاهیجانی از شاگردان شهید ثانی، بعد از محرم ۹۵۲ آن را کتابت کرده، نسخه ای از کتاب محاسن الكلمات است که البته در فهرست به شکل نادرستی معرفی شده است.<sup>۱</sup> در فهرست کتابخانه دانشکده الهیات نام رساله اخیر با عنوان رساله فی نيات العبادات و صیغ العقود و الايقاعات آمده و مؤلف آن نادرست معرفی شده است. ملا محمود لاهیجانی بعدها مجموعه کتابت شده توسط خود را به شهید ثانی هدیه کرده است.<sup>۲</sup>

۱ از دیگر نسخه های کهن کتاب محاسن الكلمات، نسخه شماره ۲۵۲ کتابخانه مدرسه صدر بازار است که عالم احسانی مهاجر به ایران، سید حسین بن علی بن محمد حسینی جمازی گنابادی آن را در جمعه ۱۷ رجب ۹۸۹ کتابت کرده است. برای نسخه های کتاب محاسن الكلمات یا نيات العبادات و صیغ العقود و الايقاعات بنگرید به: آقا بزرگ طهرانی، الذریعة، ج ۲۰، ص ۱۲۷-۱۲۸؛ فنخا، ج ۳۴، ص ۲۰-۲۱.  
۲ بنگرید به: سید محمد باقر حجتی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ج ۱، ص ۱۴۳.

## مجموعه ٤٥٢ امام جمعه کرمان دانشگاه تهران، اثری ارزشمند به قلم عالمی اوالی

مساهمت و نقش عالمان و فقیهان منطقه بحرین قدیم در کتابت و انتقال میراث شیعه، آنگونه که در سراسر نوشتار حاضر از آن سخن رفت، امری مهم و قابل توجه است. در میان آثار کتابت شده از میراث عالمان بحرین قدیم، مجموعه شماره ٤٥٢ امام جمعه کرمان به دانشگاه تهران که مشتمل بر دو کتاب تلخیص الاقوال / المقال فی احوال الرجال و کتاب الفهرست شیخ طوسی می باشد، از جهاتی قابل توجه می باشد. نخست آنکه کتاب به جهت کتابخانه یکی از عالمان اوالی به نام محمد بن یوسف خطی کتابت شده و دیگر آنکه همین شخص تعلیقات بسیار مفصلی بر رساله اول یعنی تلخیص الاقوال در حاشیه نسخه کتابت کرده که بسیار ارزشمند است و به خوبی تبحر رجالی و حدیثی او را نشان می دهد. متأسفانه در حواشی کتاب الفهرست، مطلب خاصی نوشته نشده است. کاتب نسخه که از شاگردان محمد بن یوسف خطی است، در صفحه عنوان نسخه، مجموعه کتابت شده را چنین معرفی کرده است:

«هذا الكتاب تحقيق الرجال بالتوثيق والجهل والاهمال في ملك من هو لذورة هذا العلم سنام ومن هو بالكمالات الدينية والديوية ذو انتسام ومن سحاب فضله واکرامه والايه ذات ارتکام اعني بذلك الاخذ من التقوى باوفر النصب والسهام الفايق جميع الانام بالفضل العام والانعام التام شيخنا ومولانا الشيخ محمد بن يوسف بن صالح عفي عنهم اجمعين وكتبه الاقل احمد بن محمد بن يوسف للسنة السادسة والستين والى النبي».

انجامه کاتب در پایان تلخیص الاقوال نسبتاً مفصل است و او خود را به شکل کاملتری از دیگر مواردی که در نسخه از خود سخن گفته، معرفی کرده و چنین نوشته است:

«... وصى الله على محمد وآله وسلم وشرف وكرم وقد رفع القلم هامة وقلع الكاتب اهتمامه من تسويد بياضه وتقديد الفاظه سبع شهر جمادي الثانية للسنة السادسة والستين بعد الالف من الهجرة النبوية على مهاجرها وآله افضل الصلاة والسلام بقلم فقير الله تعالى المحتاج الى مالكة الاوحد المانح المجيد المعين الضعيف عملاً كبيراً املاً العبد المذنب احمد بن صالح بن سعيد بن حسين بن علي بن يحيى بن علي البجيل الجمري الأوالي غفر الله له ولوالديه وللمؤمنين والمؤمنات انه هو الغفور الرحيم الجواد الكريم والحمد لله رب العالمين لخزانة الشيخ الجليل النبيل الاصيل





والامام العالم العامل شيخنا ومولانا العلامة الفهامة المحروس بعين عناية الملك الاحد ... الشيخ الاكمل محمد بن يوسف الخطي متعه الله به طويلاً وكان له حافظاً وكفياً انه المجيل للدعوات ومضاعف الحسنات ورافع الدرجات والحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين آمين آمين رب العالمين».

در کنار انجامة كاتب، مالك و كسى كه نسخه به جهت او كتابت شده، يعنى محمد بن يوسف خطى در يادداشتى از تلاش خود براى تصحيح متن چنين سخن گفته است:

«قد استفرغ الوسع في تصحيحه وبذلت الجهد والطاقة في ذلك من نسخة مصححة الا ما اخطأ فيه النظر وكل عنه البصر في اوقات متعددة آخرها عصر يوم السبت خامس شهر ذي القعدة الحرام سنة ست وستين والى الف مالكة ... المعطي محمد بن يوسف الخطي متعه الله به طويلاً والله الحمد وحده وصلعم».

انجامة آمده در پايان كتاب الفهرست شيخ طوسى بسيار كوتاه است. نسخه اخير از كتاب الفهرست شيخ طوسى از جمله نسخه هاى است كه در آن طريق روايت كه در برخى از نسخه ها آمده و به غيداق بن جعفر ديلى مى رسد، نيامده است و در ميان نسخه هاى كتاب الفهرست كه كاتبان منطقه بحرين قديم كتابت کرده اند، نيز تا به حال به نسخه اى از تحرير روايت شده توسط غيداق بن جعفر ديلى برخورد نكرده ام. كاتب در انجامة نسخه چنين نوشته است:

«فرغ من كتابته وتسويد بياضه فقير الله تعالى احمد بن صالح بن سعيد البجيل الجمري عفى الله تاسع عشر من شهر الله رمضان المعظم من سنة السادسة والستين بعد الالف لخزانة الشيخ الانبل الاكمل الافضل قدوة العلماء وزبدة الفضلاء الشيخ الاجل، الشيخ محمد بن يوسف الخطي نفعه الله وتمع به طويلاً وكان له حافظاً وكفياً ووفقه لمك مثله انه على كل شىء قدير».

### مذهب حنبلى در احساء

از نتايج سيطرة عثمانى بر منطقه احساء، مهاجرت خاندان هاى مذاهب اربعه به برخى از شهر هاى احساء مى باشد و از همين طريق مذهب حنبلى، حنفى و شافعى در برخى از شهرهاى احساء به واسطه مهاجرت عالمان آن مذاهب رواج يافت. مذهب مالكى در نيمه دوم قرن





نهم و اوایل قرن دهم به واسطه حمایت خاندان اجود بن زامل در احساء پیروانی یافته بود و مهاجرت و اقامت برخی از فقیهان مالکی مغربی نیز به رواج مذهب مالکی کمک کرده بود.<sup>۱</sup> در میان مذاهب اربعه، مذهب حنبلی در نیمه دوم قرن دوازدهم و با مهاجرت خاندان های حنبلی از نجد به شهر مبرز در احساء رواج یافت که در میان آنها خاندان فیروز به دلیل نقش و جایگاه اجتماعی که داشتند از دیگران مهمتر هستند. خاندان فیروز گرچه روابط خویشاوندی نیز با محمد بن عبدالوهاب داشتند، اما از مهمترین مخالفان اندیشه های او بودند.

روند مهاجرت فقیهان و خاندان های حنبلی به احساء با سیطره یافتن خاندان آل سعود و برافتادن حکومت خاندان بنو خالد شتاب بیشتری یافت. با این حال همچنان بخش اصلی از ساکنان منطقه احساء شیعه نشین بوده اند و از سوی دیگر اندیشه های محمد بن عبدالوهاب که از سوی خاندان آل سعود مورد حمایت قرار گرفته بود، مخالفان جدی در میان عالمان حنبلی احساء و حتی در نجد داشت.<sup>۲</sup> در کتابخانه محمودیه - که نسخه های آن اکنون در کتابخانه ملک عبدالعزیز مدینه نگهداری می شود - به شماره ۱۹۱۴ نسخه ای از کتاب الکافیة الشافیة فی الفرقة الناجیة ابن قیم جوزیه موجود است که انجامه ای مهم دارد. کاتب گرچه از تصریح صریح به تشیع منطقه اجتناب کرده، اما به نحو ضمنی به تشیع منطقه احساء اشاره کرده است. انجامه نسخه اخیر چنین است:

«... فقد تمّ هذا الكتاب بعون الله وحسن توفيقه عصر يوم الثلاثاء في اليوم السابع من شهر عاشوراء المحرم آخر السنة العاشرة بعد المائتين والالف من هجرته صلى الله عليه وسلم في أوان فتح المنصور المؤيد لهجر البحرين ناصر سنة سيد المرسلين وقاتل المبتدعة والمنافقين ثبتنا الله

۱ برای بحث در خصوص سیاست های مذهبی اجود بن زامل و دعوت از فقهای اهل سنت برای سکونت در احساء بنگرید به: علی بن حسین بن عبدالله البسام، «العلماء المغاربة و دورهم فی إقامة الصلوات العلمیة بین الأحساء و المغرب العربی (۸۵۰-۱۲۵۰هـ/۱۴۴۶-۱۸۳۴م)»، المجلة التاريخية المغاربية، السنة السادسة و الثلاثون، العدد ۱۳۵، جویلیة / تموز ۲۰۰۹، ص ۲۹-۶۳.

۲ از عالمان مهم نجد الاصل حنبلی که از مخالفان اندیشه های محمد بن عبدالوهاب (متوفی ۱۲۰۶) بوده و به مخالفت دیگر عالمان حنبلی احساء و مناطق دیگر با افکار محمد بن عبدالوهاب اشاره کرده، می باید به محمد بن عبدالله بو حمید نجدی مکی (متوفی ۱۲۹۵) اشاره کرد. وی در کتاب المسحب الوابله علی ضرائح الحنابله شرح حال خاندان آل فیروز، که از مهمترین چهره های منتقد اندیشه های محمد بن عبدالوهاب و از سوی دیگر از مهمترین خاندان های علمی حنبلی احساء بوده اند را آورده است.



وایاه علی الحق المبین وجعلنا من الناصرين لدينه في كل وقت وحين آمين رب العالمين وهو سعود بن عبدالعزيز بن محمد آل سعود وفقنا الله وإياه لمرضاته واستعملنا في طاعته إنه جواد كريم وذلك بقلم الفقير الى مولاه الغني بن عمن سواه محمد بن حسن بن عبالله بن قرشي بن محمد عفى الله عنا وعن المسلمين والمسلمات آمين.

قد كتبها امتثالاً لأمر أخينا في الله علي بن الشيخ محمد بن عبدالوهاب تغمده الله برحمته وجعله في أعلى جنته إنه على ما يشاء قدير وبالإجابة جدير ومحمد هو القائم بأصل هذه الدعوة ... وآمن بها كثيراً من طلبته في حياته وبعد مماته لا زالت عساكرها منصوره ورايات فتحها على رؤوس الأشهاد منشورة، آمين رب العالمين رب استجب يا كريم.<sup>۱</sup>

تعبیر مبتدعه اشاره به شیعیان دارد و مراد از منافقین نیز حنبلی های مخالف جریان محمد بن عبدالوهاب، خاصه خاندان آل فیروز ساکن در مبرز می باشد. خاندان فیروز در محله مشرفه شهر مبرز سکونت داشتند و از میان عالمان این خاندان، بیش از دیگران محمد بن عبدالله بن محمد بن فیروز تمیمی احسانی (متوفی ۱۲۱۶) در مقابله با اندیشه های محمد بن عبدالوهاب نقش داشته و به دلیل جایگاه مهمی که در میان حنابله مبرز و احساء داشته، فعالیت ها و مخالفت های او سد مهمی در مقابله محمد بن عبدالوهاب و هواداران او بوده است.<sup>۲</sup>

### وقف نامه کتاب در عصر صفویه

از پدیده های بسیار رایج در عصر صفویه، مسئله وقف کتاب است که البته پیش از صفویه و حتی در دیگر بخش های جهان اسلام نیز رواج داشته و اختصاصی به صفویه نداشته است. بخشی از اطلاعات مربوط به این مسئله، توسط استاد ارجمند رسول جعفریان و دوست

۱ برای تصویر انجامه نسخه مورد بحث و متن آن بنگرید به: حمد بن عبدالله عنقري، مكاتب الدولة السعودية الأولى المخطوطة: دراسة تحليلية لعوامل انتقالها و اندثارها بعد سقوط الدرعية (رياض: داره الملك عبدالعزيز، ۱۴۳۰)، ص ۸۸، ۹۱-۹۲.

۲ برای شرح حال او بنگرید به: محمد بن عبدالله بن حميد نجدى، السحب الوابله على ضرائح الحنابلة، حققه و قدم له و علق عليه بكر بن عبدالله أبوزيد و عبدالرحمن بن سليمان عثيمين (بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶/۱۹۹۶)، ج ۳، ص ۹۶۹-۹۸۰. خاندان های مهم علمی غیر شیعی احساء در دوران مورد بحث عبارتند از: خاندان آل عفالق مالکی مذهب؛ خاندان آل فیروز حنبلی مذهب؛ خاندان آل عدسانی شافعی مذهب و خاندان آل ملا حنفی مذهب که در میان آنها خاندان آل ملا مورد حمایت بیشتر عثمانی بودند. بنگرید به: حمد بن عبدالله عنقري، مكاتب الدولة السعودية الأولى المخطوطة، ص ۹۶. خاندان عدسانی بعدها احساء را ترک کرده و در کویت مستقر شده اند.

گرامی آقای رسول جزینی تدوین شده است، با این حال موارد فراوان دیگری نیز موجود است که از قلم افتاده است. در اینجا قصد استقصاء موارد دیگر را ندارم، تنها ضمن اشاره به این مطلب به نسخه شماره ۱۵ مجموعه امام جمعه کرمان در کتابخانه دانشگاه تهران اشاره می‌کنم که این عبارت در خصوص وقف آن بر ظهر نسخه آمده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم؛ اللهم زينا بقواعد الشرعي الشهيد وصل على محمد وآله الطاهرين، فقد وقف المولى المستغني عن الاوصاف مولانا محب علي السيف هذا الكتاب المسمى بكتاب المزار والمكاسب والتجارة من التهذيب على اولاده تولدوا وتناسلوا وبعد انقراضهم لكافة المؤمنين وجعل التولية لنفسه ثم لاكبر اولاده مولانا حسين حماه الله عن الشهرة ثم للاصلاح بهذا الامر كتب الفقير ابن مرحوم مولانا مراد محمد علي عفي عنهما سنة ۱۱۲۸».

### خلیفة بن نصر بن ناصر خفاجی؛ عالمی گمنام از عصر صفویه

اطلاعات درباره شرح حال عالمان امامی عصر صفویه خاصه قرن دهم را بیش از هر اثر دیگری مدیون کتاب احیاء الدائر من مآثر من فی القرن العاشر شیخ آقا بزرگ طهرانی هستیم، که نام و نشان بسیاری از عالمان مورد بحث را بر اساس مکتوبات و نوشته های پراکنده آنها گردآوری و تدوین کرده است. با این حال در اختیار قرار گرفتن نسخه های خطی متعدد در سالیان اخیر این امکان را به ما می دهد، تا نام های شمار دیگری از عالمان امامی قرن دهم را بدست آوریم. از جمله این افراد فردی است به نام خلیفة بن نصر بن ناصر خفاجی که چند اثری را تألیف کرده که می تواند پرتوی بر زندگی او نیز بیفکند.

خلیفة بن نصر بن ناصر خفاجی جزایری، مجلدی از کتاب مسالک الافهام شهید ثانی مشتمل بر کتاب الوقف تا کتاب النکاح - به شماره ۱۴۵ در کتابخانه امام جمعه زنجان - را به جهت شاه امیر / امین حسینی کتابت کرده و بخشی از آن را در روز چهارشنبه ذیقعدة ۹۷۶ در گلکنده، و پایان جزء اول نکاح را در شنبه ۲۰ ذیحجة ۹۷۶ در بلاد تلتق معروف به گلکنده (قلکنده) از بلاد ابراهیم قطب شاه و پایان نسخه را در ۱۶ محرم ۹۷۷ به انجام رسانده است. بر این اساس وی از عالمان امامی مهاجر به دربار قطب شاهیان هند است، که می دانیم شماری از عالمان امامی برای ترویج تشیع در دوران حکومت آنها به آنجا سفر کرده اند.





خفاجی درباره نسخه اساس خود سخنی نگفته است، اما به قرینه شواهد آمده در انجامه و محل کتابت نسخه، خفاجی نسخه خود را باید از روی نسخه ملا محمود لاهیجانی به نحو مستقیم یا با واسطه کتابت کرده باشد، که این عبارت در آن به همین شکل آمده است (بنگرید به انجامه نسخه مسالک الافهام شماره ۱۴۲۹۶ کتابخانه مجلس که بخشی از آن در صفر ۱۰۵۴ کتابت شده و به واسطه یا مستقیم از روی نسخه ملا محمود لاهیجانی کتابت شده و فهرست نگار محترم به تفصیل انجامه نسخه را نیز نقل کرده است (علی صدرائی خوئی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۳۸، ص ۴۲۱-۴۲۳). نخست یکی بودن عبارت انجامه کاتب حاضر با انجامه نسخه کتابت شده مسالک ملا محمود لاهیجانی است. خفاجی همانند لاهیجانی در انجامه نسخه خود چنین نوشته است: «... ویلحق بالنکاح النظر في امور؛ تمّ الجزء الثالث من کتاب مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام واتفق الفراغ منه مع تراکم صروف الحدثان المکدرة للافکار والاذهان الموجبة لمزید السهو والنسیان ومن اطلع منها علی عشر العشیر اقام عندي علی ما عیناه ان یقف فيه علی خلل او سهواً وتقصیر یوم الاحد عشرین شهر ربیع الاول سنة ثلاث وستین وتسعمائة احسن الله تعالی بقضبها فی سرّ وعافیة علی ید مؤلفه الفقیر الی الله تعالی زین الدین بن علی بن احمد الشامی العاملی عامله الله تعالی بفضله وعفا عن سیئاته ووقفه لا کماله بمحمد وآله.

هذا آخر کلامه قدس سره والحمد لله الذی وفقنا للفراغ من نسخه وجعل لنا اسوة حسنة بمصنفه حیث صنّف الجزء الثالث وما بعده الی آخر الشرح زمان اختفائه من الطغاة البغاة لما قصدوه ودخلوا بیته ونهبوه وكان یوم الجمعة ویوم النیروز قدس سره هارياً من شرهم من جبل الی جبل وقرية الی اخرى وهذا الذی یعنیه بقوله «مع تراکم صروف الحدثان»، والحمد لله من الزیادة والنقصان وقد كان الخلاص من کتابة هذا الجزء الثالث، سادس عشر محرم سنة ۹۷۷ هجرية علی صاحبها افضل التحية والسلام ومالك الكتاب المبارک، السید الاجل والكهف الاضل سلاله الاخيار الائمة الابرار، المخصوص بعناية الملك القدير، السید شاه امیر دام ظلّه امین اللّهُمّ امین وناسخه العبد الراجی رحمة ربه الناصر اقل العباد واحوجهم الی رحمته خلیفة بن نصر بن ناصر الخفاجی الجزایری عفی عنه وعن معلمه وعن جمیع المؤمنین كافة والحمد لله رب العالمین وصلى الله علی سیدنا محمد وآله اجمعین»!

۱ بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، «فهرست نسخه های خطی کتابخانه امام جمعه زنجان (بخش اول، ش ۱-۲۰۰)»، اوراق عتیق: مجموعه مطالعات متن پژوهی، نسخه شناسی و فهرست نگاری، به کوشش سید محمد حسین حکیم (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹ش)، دفتر اول، ص ۱۷۹، ۲۲۹.

در کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران به شماره ۱۱ ب نسخه ای از کتاب ایضاح الفوائد فی شرح القواعد موجود است که کاتب آن نیز خلیفه بن نصر بن ناصر است. در این نسخه اخیر، وی شهرت خفاجی و جزائری را برای خود ذکر نکرده، اما دست خط او با دست خط مسالک یکی است و می توان هر دو فرد را یک تن دانست. خفاجی در انجامة ایضاح الفوائد اطلاعاتی آورده که نکاتی از زندگی او را نیز مشخص می کند. وی در انجامة ایضاح الفوائد چنین نوشته است:

«... و فرغ من تعلیقه اقل عباد الله واحوجهم الی رحمته العبد المذنب الجانی خلیفه بن نصر بن ناصر وفقه الله لمراضیه وجعل یومه خیر من ماضیه بمحمد وآله الطیبین الطاهرین وذلك ما بین الظهر وما بین العصر الخامس یوم من شهر شوال من شهر سنة ۹۷۱ احد وسبعین وتسعمائة هجرية على صاحبها افضل التحية والسلام ومالك الكتاب النفیس سید السادات ومنع الجود والكرامات اولاد سيدنا محمد طاهر دام ظلہ آمین اللهم آمین بجرمة آل طه ویس والحمد لله رب العالمین وصلى الله على سيدنا محمد وآله وسلم تسليما».

عبارت اخیر نشان از این دارد که خفاجی به کار کتابت نسخه اشتغال داشته و نسخه هایی را برای استادان خود کتابت می کرده است. در حاشیه انجامة اخیر عبارت مقابله ای نیز آمده که بخشی از آن در صحافی بریده شده و بخش باقی مانده چنین است:

«بلغ مقابلة في عدة مجالس بحسب الجهد والطاقة الا ما زاغ عنه البصر وقصر عنه النظر وكان الفراغ من ذلك عصر نهار الاحد المبارك الرابع والعشرون من شهر جمادي الآخرة من شهر سنة اثنين وسبعين وتسعمائة هجرية على مشرفها الصلاة والسلام وكتب العبد المذنب محمد بن ...»<sup>۱</sup>

### شماری از نسخه های کتابخانه سید عبدالحسین حجة کربلائی

یکی از ویژگی ها و اختصاصات مهم کتاب های الذریعة الی تصانیف الشيعة و طبقات اعلام الشيعة، اطلاعات منحصر به فردی است که ایشان از کتابخانه های شخصی در روزگار خود ارایه کرده اند؛ کتابخانه هایی که عموماً با درگذشت صاحبان آنها از بین رفته اند. از کتابخانه

۱ برای گزارشی از این نسخه و تصویری از انجامة آن بنگرید به: سید محمد باقر حجتی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ج ۱، ص ۴۶۹، ۱۰۸۱.





های مهم نجف که آقا بزرگ اطلاعات بسیار خوبی از آن ارایه کرده، کتابخانه سید خلیفه احسانی است که از کتابخانه های مهم بوده که چندین نسل باقی بوده، ولی سرانجام به همان عاقبت شوم دیگر کتابخانه ها گرفتار شده و از میان رفته است.<sup>۱</sup>

مرحوم آقا بزرگ طهرانی پیش از فروش کتابخانه سید خلیفه احسانی توانسته بود، آن را بررسی کند و در موارد معدودی نیز حتی به فردی که نسخه ای از آن کتابها را خریده، اشاره کرده است. به عنوان مثال در ذیل شرح حال سید حسین بن حیدر بن قمر کرکی (متوفی ۱۰۴۱) از برجستگان شاگردان شیخ بهایی، به نسخه ای اشاره کرده که متعلق به یکی از شاگردان سید حسین بن حیدر کرکی و از نسخه های کتابخانه سید خلیفه احسانی بوده و توسط سید مجید بن محمود حکیم نجفی خریداری شده بود. در نسخه مذکور شاگرد مطالبی از سید حسین کرکی نقل کرده و تاریخ وفات استادش را نیز به دقت چنین ضبط کرده است:

«کانت وفاته رحمه الله تعالى في اصفهان في يوم الاربعاء عاشر ربيع الاول من شهر سنة الف واحدى واربعين قدس الله سره العزيز».

اهمیت این اطلاع در این است که ظاهراً در هیچ جایی دیگری تاریخ درگذشت سید حسین بن حیدر کرکی نیامده باشد.<sup>۲</sup> از دیگر کتابخانه های مهم در کربلا که آقا بزرگ اشاراتی به برخی از نسخه های مهم آن آورده، کتابخانه سید عبدالحسین بن علی حجة طباطبائی (متوفی ۲۴ محرم ۱۳۶۳).<sup>۳</sup> چند نسخه ای از نفائس کتابخانه ایشان که آقا بزرگ از آنها سخن گفته، امروز در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است، از جمله نسخه شماره ۱۲۷۲ مجموعه سید محمد مشکوة، که مجلدی از کتاب روض الجنان فی شرح ارشاد الازدهان شهید ثانی است. کاتب نخست انجامه شهید ثانی را نقل کرده و سپس در اشاره به خود و فراغت از کتابت نسخه نوشته است:

۱ مفصل ترین تحقیق درباره کتابخانه سید خلیفه احسانی نجفی، مقاله استاد محمد علی حرز است که در مجله الخزانة، العددان الخامس و السادس، السنة الثالثة، صفر ۱۴۴۱هـ/تشرین الأول ۲۰۱۹م، صفحات ۵۰۵-۵۹۶ با عنوان «من خزائن الكتب الأحسانیة: خزنة السيد خلیفة الموسوی الأحسانی النجفی» منتشر شده است.

۲ بنگرید به: آقا بزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعة: الروضة النضرة فی علماء المائة الحادیة عشرة، ص ۱۸۴.  
۳ درباره کتابخانه وی بنگرید به: الذریعة، ج ۷، ص ۲۹۳؛ سلمان هادی الطعنة، مخطوطات کربلاء (النجف الاشرف، ۱۳۹۳/۱۹۷۳)، ج ۱، ص ۲۸-۲۹.



«... واتفق الفراغ من تسويد هذا الكتاب المبارك يوم الاحد، يوم السادس من شهر ربيع الاول سنة ثمانية وخمسين وتسعمائة على يد العبد الفقير الحقير المعترف بالذنب والتقصير، الغريق في بحر الخطايا والذنوب، الراجي من رحمة العلي حسين بن محمد بن علي بن احمد بن محمد الحسيني غفر الله له ولوالديه ولجميع المؤمنين والمؤمنات بحق محمد وآله الطاهرين وسلم تسليماً كثيراً... يا ارحم الراحمين ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصل الله على جميع الانبياء المرسلين وعلى...».

همانگونه که آقا بزرگ متذکر شده، در حاشیه نسخه حواشی متعددی است که در برخی از آنها تصریح شده که از شهید ثانی است و قید «منه دام ظلّه السامی» در پایان آنها آمده، که دلیلی است بر اینکه کاتب نسخه را نزد شهید ثانی قرائت کرده است. برای گزارشی از نسخه و چند تصویر از آن بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۷، ص ۲۷۱۹-۲۷۲۲. از دیگر نسخه های کتابخانه مرحوم سید عبدالحسین الحجّة که بعد از درگذشت ایشان، در تملک فرزندشان سید علی عبدالحسین الحجّة بوده، مجلدی از کتاب کشف الغمة اربلی است، که اکنون به شماره ۱۴۰ ج در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران موجود است. همین گونه شیخ آقا بزرگ از مجموعه ای مشتمل بر چند رساله سخن گفته، که اکنون در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به شماره ۵۰-د موجود است. در پایان اسرار الصلاة / التنبیهاة العلیة علی وظائف الصلاة القلبية، تاریخ فراغت از کتابت ۲۰ ربیع الثانی ۹۸۳ و محل کتابت مشهد ذکر شده است. رساله اول الاربعون حدیثاً شهید اول با تاریخ کتابت مشهد، روز جمعه ۲۷ ذی القعدة / نوروز ۹۸۲ و رساله دوم الاربعون حدیثاً از ملا عبدالله بن محمود بن سعید شوشتری (متوفی ۹۹۷) با تاریخ فراغت از کتابت مشهد، چاشت روز جمعه ۴ ذی الحجّة ۹۸۲ از روی نسخه مؤلف است. تاریخ اجازة زین الدین بن محسن ۱۹ رجب ۹۸۳ است و مرحوم دانش پژوه اشاره کرده که اربعین شیعی دیگری در این مجموعه هست که تاریخ فراغت ۲۳ ذی القعدة ۹۸۲ دارد.<sup>۱</sup>

۱ برای گزارشی از مجموعه ۵۰-د دانشکده حقوق بنگرید به: محمد تقی دانش پژوه، فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۰ق/۱۹۶۱)، ص ۲۴۰، ۳۰۵.



از دیگر نسخه های مهم کتابخانه مرحوم سید عبدالحسین حجة در كربلاء، نسخه الروضة البهية به شماره ۳۲- ب در دانشکده حقوق دانشگاه تهران است، که یکی از عالمان احسانی اهل روستای جُبیل آن را کتابت کرده است. نسخه دانشگاه تهران زمانی در تملک محمد بن عنایت الله نائینی در شوال ۱۰۲۳ بوده و توصیفی از آن در فهرست کتابخانه دانشکده حقوق صفحه ۳۵۹ آمده است. کاتب نسخه که صدقة بن ناصر جبیلی نام دارد، در انجامة نسخه الروضة البهية که مشتمل بر جلد اول است و در ۲۹ ربیع الاول ۹۸۹ از کتابت آن فراغت حاصل کرده، چنین نوشته است:

«... كان الفراغ من كتابة هذا الكتاب على يد ولد الشيخ حسن أهل الرميطة، إلا بهذه الأسطر فإن إتمامها كان على يد الفقير الحقير المقر بالذنب والتقصير صدقة بن ناصر بن سلطان بن راشد ابن راجح ابن أحمد ابن علي ابن رومي بن أبي منصور، الجبيل أصلاً ومولداً ومنشأً، متعه الله بها، وكان الله له حافظاً وكفياً، رحم الله الناظر إليها والمترحم على كاتبها، وكاتب الأسطر الأخيرة؛ إذا صارت عظامه نخيره، في اليوم التاسع والعشرين من ربیع الأول عام تسع وثمانين وتسعمائة، على يد مالکها، وصلى الله على محمد النبي وآله الطاهرين، وسلم تسليماً كثيراً، برحمتك يا أرحم الراحمين، على الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون، وصلى الله على محمد وآله وسلم».

چند تملک نیز بر نسخه مشاهده می شود که عبارتند از: «عبد المفتقر إلى ربه الديان صدقة ابن ناصر الدين سلطان؛ عبده الواثق للملك المنان صدقة ابن ناصر الدين سلطان» با مهر بیضوی او که عبارت سجع آن چنین است: «عبد المفتقر إلى المنان صدقة بن ناصر بن سلطان»؛ «من تملکات الفقير الحقير ابن حيدر القاري على رضا» و یادداشتی دال بر امانت کتاب: (أمانة من ميرزا محمد فياض الشيرازي نزد المقر محمد شريف) صدقة بن منصور در انجامة نسخه الروضة البهية تصريح دارد که وی تنها بخش آخر و در حد انجامة نسخه را کتابت کرده و نسخه را فرد دیگری به نام حسن رمیلی کتابت کرده است.

۱ جُبیل از روستاهای احساء می باشد. بنگرید به: عبدالخالق بن عبدالجليل الجنبی، تاریخ التشیع لأهل البيت فی إقليم البحرين القديم، ص ۵۴-۵۵. شهرت او توسط مرحوم دانش پژوه به خطا «جیلی» خوانده شده است. بنگرید به: پریسا کرم رضایی، فهرست کاتبان نسخه های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰ش)، ص ۱۳۲.



## نکاتی دیگر درباره صدقه بن ناصر جبیلی

اطلاع دیگر مرحوم آقا بزرگ درباره صدقه بن ناصر جبیلی، کتابت شرح الفیه ابن عصفور یعنی علی بن موسی بن محمد بن علی حضر می اشبیلی (متوفی ۶۶۹) است که منبع آقا بزرگ در این خصوص اطلاعی است که در فهرست قدیم آستان قدس (ج ۳، ص ۳۰) آمده که در آنجا از صدقه بن منصور، به عنوان مؤلف یا شاید کاتب نسخه ای سخن رفته که فهرست نگار بر اساس یادداشتی که در صفحه عنوان نسخه بوده، آن را شرح الفیه ابن عصفور و منظومه ای مختصر در نحو معرفی کرده است. نسخه اخیر به شماره ۳۸۸۲ کتابخانه آستان قدس، همانگونه که مرحوم غلامعلی عرفانیان اشاره کرده اند، نسخه ای از کتاب لب الالباب فی شرح ملحّة الاعراب ابو محمد قاسم بن علی بن محمد حریری است و صدقه بن ناصر بن راشد جبیلی کاتب نسخه است، جز آنکه مرحوم عرفانیان شهرت کاتب را حنبلی خوانده اند که تصحیف جبیلی است.

صدقه بن ناصر نسخه لب الالباب را برسم خدمت شیخ یحیی بن محمد مشهور به ابن المطوع الجبیلی الاحسائی کتابت کرده و تاریخ فراغت از کتابت نسخه نیز آخر شعبان ۱۰۱۶ ذکر شده است.<sup>۱</sup> انجامه نسخه اخیر مشتمل بر مکان و تاریخ فراغت از کتابت نسخه است که لازم است تاملی در خصوص آن برود. صدقه بن ناصر جبیلی احسائی در انجامه نسخه چنین نوشته است:

«تمّ هذا الشرح على الركض والاستعجال؛ لأن القلب ليس له مجال مع تشوُّد الأحوال من الحلة والترحال، في قرية جدحفص في بيت الفهيم ناصر، بأى قلم اتفق، و في أى مكان كان، على يد العبد العاصى، كثير الزلل والمعاصى، صدقه بن ناصر بن سلطان بن راشد الجبيلي، لرسم خدمة الشيخ الأجدد والفاضل الأسعد الأشد الشيخ يحيى بن محمد الشهير بابن المطوع الجبيل الأحسائي أصلاً و منشأ و مولداً، في آخر يوم من شعبان المعظم سنة ۱۰۱۶».<sup>۲</sup>

۱ بنگرید به: غلامعلی عرفانیان، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی (مشهد، ۱۳۷۰ش)، ج ۱۲، ص ۳۳۷. همین خطا در قرائت شهرت کاتب به فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا) (ج ۲۷، ص ۲۶۳) نیز راه یافته است.

۲ شکل نگارشی این کلمه به صورت الفهیم است. استاد ارجمند عبدالخالق جنبی متذکر شدند که الفهیم به معنی العاقل در میان اهالی بحرین قدیم متداول است (و الفهیم فی مصطلح أهل البحرين تعنی العاقل الفاهم والله أعلم).

۳ خواندن دقیق عبارت انجامه به لطف دوست عزیزم سید علاء موسوی دمشقی صورت گرفت. از ایشان تشکر فراوان دارم.





نسخهٔ اخیر نشان از این دارد که شیخ یحیی بن محمد مشهور به ابن مطوع احسانی جبیلی در روستای جدحفص اقامت داشته و صدقهٔ بن ناصر به دیدار او به آن روستا سفر کرده است و ظاهراً قصد رفتن به جای دیگر یا بازگشت به زادگاهش جبیل را داشته است. نکتهٔ دیگری که دربارهٔ نسخهٔ ۳۸۸۲ کتابخانهٔ آستان قدس باید اشاره کرد، دو یادداشت کوتاه در برگ نخست نسخه است. دربارهٔ نسخه‌های مجموعه ای کتابخانه آستان قدس که قابل تفکیک بوده اند، در دوره ای تصمیم به جدا سازی گرفته شده و هر کدام جداگانه صحافی و شماره گذاری شده است.

این مطلب دربارهٔ نسخه‌های انجامهٔ کاتب در همهٔ رساله‌های آنها نیامده یا افتادگی داشته اند، باعث شده تا اجزاء مذکور به عنوان رساله‌های بدون تاریخ و نام کاتب در فهرست معرفی شوند، اتفاقی که دربارهٔ نسخهٔ اخیر افتاده است. فردی که مالک نسخه پیش از تملک نسخه توسط کتابخانهٔ آستان قدس رضوی بوده، در خصوص محتویات نسخه دو یادداشت بر برگ اول نسخه نوشته که چنین است:

«مجموعه فیها شرح الفیه ابن عصفور، منظومه فی النحو لطیف ملا نظام الدین نيسابوری و شرح شمسیه حساب عبدالعلی بیرجندی رساله و کتاب ترتیب رجال خلاصه علامه حلّی تألیف بعض علماء الرجال من المتأخرین»؛ «از اول و آخر شرح شمسیه حساب اجزاء افتاده و از آخر ترتیب رجال خلاصه نیز اجزاء افتاده است».

بر اساس دو مطلب اخیر، اولاً می‌توان گفت که صدقهٔ بن ناصر سه متن را احتمالاً کتابت کرده، که باید در میان نسخه‌های آستان قدس سراغ آنها را گرفت، که متأسفانه در فاصلهٔ کتابت نسخه تا زمانی که نسخه به کتابخانهٔ آستان قدس رضوی رسیده، بخش‌های از دو رسالهٔ آن که مشتمل بر انجامه و احتمالاً نام کاتب بوده، از نسخه افتاده است. بر اساس یادداشت‌های مربوط به عرض نسخه، نسخهٔ حاضر پیش از محرم الحرام سال ۱۱۵۴ به تملک کتابخانهٔ آستان قدس رضوی درآمده است، و یادداشتی در خصوص عرض نسخه در این تاریخ، در کنار یادداشت‌های متعدد دیگر از تاریخ‌هایی در سالهای بعد چون ربیع الاول ۱۱۹۶ بر نسخه درج شده است.



دیگر اثر کتابت شده توسط صدقه بن ناصر، نسخه ای از جلد اول کتاب روض الجنان فی شرح ارشاد الأذهان شهید ثانی است که صدقه بن ناصر بن سلطان بن راشد بن ابی منصور جبیلی از کتابت آن در سال ۱۰۰۱ فراغت حاصل کرده است. عبارت های آمده در انجامه، دلالت بر این دارد که وی در جبیل احساء به دنیا آمده و در همانجا بالیده است، که شاهی بر بازگشت خانواده از شیراز به جبیل است: (...کاتبه مالکه الفقیر الحقیر المفتقر الی خالقه الدیان صدقه بن ناصر بن سلطان بن راشد ابن ابی منصور الجبیلی اصلاً ومنشأً ومولداً نفعه الله به زماناً طویلاً وكان الله له حافظاً وكفیلاً وصلى الله على محمد وآله الطاهرين).<sup>۱</sup>

در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۳۸۶۹ مجموعه ای موجود است که بخشی از آن را عبدالحسین بن احمد در ۹۹۴ و بخشی دیگر را عبدالله بن مبارک بن احمد بن یحیی ماحوزی در ۹۹۵ کتابت کرده است و شامل کشف البراهین ابن ابی جمهور احسانی و کتاب تسدید العقائد شمس الدین محمود بن عبدالرحمان اصفهانی است. نسخه در تملک صدقه بن ناصر بن سلطان بن راشد بن احمد بن محمد بن علی بن راجح ابن منصور جبیلی بوده با تاریخ ۹۹۵ بوده است. عبارت تملک صدقه بن ناصر اهمیت خاصی دارد و نشانگر آن است که خانواده او به زادگاهشان یعنی جبیل بازگشته اند. صدقه بن ناصر در عبارت تملک خود بر نسخه در پایان رساله کشف البراهین نوشته است:

«من متملکات الفقیر الحقیر المقر بالذنب والتقصیر... الجانی صدقه بن ناصر بن سلطان بن راشد بن احمد بن محمد بن علی بن راجح ابن ابی منصور الجبیلی اصلاً ومنشأً ومولداً متعه الله به طویلاً وكان الله له حافظاً وكفیلاً... والمعارف له اذا تمکن من رده ولم یرده ورحم الله الناظر فیه والمترحم علی مالکه وصلى الله على سيدنا محمد وآله... وكتب مالکه هذه الاسطر سنة ۹۹۵ من الهجرة النبوية على مهاجرها افضل الصلوات».<sup>۲</sup>

۱ برای گزارشی از این نسخه بنگرید به: سید احمد حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مؤسسه حضرت آیت الله العظمی بروجردی، ج ۱، ص ۶۹-۷۰.

۲ برای گزارشی از نسخه بنگرید به: عبدالحسین حائری، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (تهران: چاپخانه مجلس شورای ملی، ۱۳۵۲ش)، ج ۱۰، بخش چهارم، ص ۱۹۰۳.



در کتابخانه مجلس مجموعه ای به شماره ۳۸۶۹ مشتمل بر کشف البراهین و شرح التجرید قاضی محمود بن احمد اصفهانی موجود است، که زمانی در تملک صدقه بن ناصر بوده است. کاتب کشف البراهین خود از عالمان احسانی به نام عبدالحسین بن احمد مادوم است و در انجامه چنین نوشته است:

«بالمشهد الرضوي المقدس على ساكنه الصلاة والسلام بمنزل السيد الاجل والكهف ... رفيع القدر والمحل محسن بن محمد بن ... الذي صدر في اول الكتاب وكان لاجله والسبب في ايجاد قرعه واتمام اصله ... الله على ذلك وايانا وجميع المؤمنين والمؤمنات انه على كل شيء قدير وبالاجابة جدير وصل الله على محمد وآله اجمعين وآله الطيبين الطاهرين وسلم.

فرغ من تسويده كاتبه الافقر الغريق في بحر الذنوب والخطايا عبدالحسين بن احمد المدوم في يوم الاثنين، الثامن من شوال سنة ۹۹۴ وسلم كثيرا برحمتك يا ارحم الراحمين». در کنار انجامه این بخش، صدقه بن ناصر یادداشتی در خصوص تملک خود بر نسخه نوشته که چنین است:

«من ممتلكات الفقير الحقير، المقر بالذنب والتقصير عبده وقتّه الجاني صدقة بن ناصر بن سلطان بن راشد ابن احمد بن محمد بن علي بن راجح ابن ابي منصور الجبيلي اصلاً ومنشأً ومولداً، متعه الله به طويلاً وكان الله له حافظاً وكفياً، لعن الله سارقه وغاصبه والمعارف له اذا تمكن من رده ولم يردّه ورحم الله الناظر فيه والمترحم على مالكة وصل الله على سيدنا محمد وآله التقي الطاهرين وسلم وكتب مالكة هذه الاسطر سنة ۹۹۵ من الهجرة النبوية على مهاجرها افضل الصلوات».

رساله دوم را نیز فردی از اهالی روستا ماحوزه اوال کتابت کرده و هر چند هر دو کاتب از مکان کتابت خود سخنی نگفته اند، محتمل است که از اهالی و ساکنین جزیره اوال باشند، که صدقه بن ناصر مدتی برای تحصیل علم به آنجا مهاجرت کرده است. بخش اوال همواره در میان سه بخش بحرین قدیم، به عنوان مرکزی علمی جایگاه خود را داشته است. کاتب رساله دوم در انجامه چنین نوشته است:

«اتفق لانهاء من تسويد بياض اوراقه عصر الاحد ثامن من شهر جمادي الآخري من شهر سنة خمس وتسعين وتسعمائة على ... وآله افضل الصلوة والسلام على يد الفقير الى الله تعالى الغني

عبدالله بن مبارک بن احمد بن یحیی الماحوزی الاوالی عفی عنه والمؤمنین، الله كما وفقت لاتمامه واعنت لاختتامه فصل علی محمد وآله...».

در کنار انجامة کاتب، مهر بیضوی شکل صدقة بن ناصر با عبارت «الواثق بالملک المنان عبده صدقة بن ناصر بن سلطان» آمده است.<sup>۱</sup>

### عبدالله عتیق الحسین حسینی وارث شیخ عبدالله بن صالح سماهیجی

مجلدی از کتاب وسائل الشیعة در کتابخانه مدرسه طالبیه شهر تبریز به شماره ۲۰۵ موجود است، که زمانی در تملک سید محمد بن صدید حسینی بوده و حسین بن محمد بن یحیی بن عمران، یادداشت تملک او را بر ظهر نسخه چنین نوشته است:

«ثم صار من ممتلكات الاخ الاكمل الامجد الاسعد السيد محمد بن السيد شرف بن العلامة السيد ابراهیم بن السيد یحیی الصدید الحسینی وذلك بالبیع الشراع البتی فی حدود سنة ۱۱۷۲ حرره الاحقر حسین بن محمد بن یحیی عفی الله عنه».

بر نسخه اخیر همانند برخی نسخه های که زمانی در تملک سید محمد صدید حسینی بوده، به تملک مبارک بن علی جارودی و ظاهرا پسرش شیخ عبدالله جارودی درآمده است، جز آنکه یادداشت تملک پدر و احتمالا پسرش در گذر زمان آسیب دیده و بخش مهمی از آن محو شده است: (بسم الله والحمد لله؛ ثم من الله سبحانه بدخوله فی ملک المملوک الاحقر مبارک بن علی الجارودی عفی الله عنه تعالی عنهما بمنه سنة... ثم... سنة ۱۲۲۴). نسخه پیشتر در تملک آخوند ملا عبدالرحیم بن رمضان بوده، که آن را از وصی شرعی شیخ عبدالله بن صالح سماهیجی، یعنی سید عبدالله عتیق الحسین حسینی خریداری کرده است. عبدالله علوی در اشاره به فروش نسخه به وصایت و وکالت از ورثه سماهیجی، بر روی نسخه چنین نوشته است:

«بسم الله، بعث هذا الكتاب اخي آخوند ملا عبدالرحیم وصایة ووكالة وانا الجانی عبدالله بن علوی بن عیسی عتیق الحسین الحسینی».<sup>۲</sup>

۱ برای معرفی اجمالی مجموعه ۳۸۶۹ بنگرید به: عبدالحسین حائری، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی (تهران: چاپخانه مجلس شورای ملی، ۱۳۵۲ش)، ج ۱۰، بخش چهارم، ص ۱۹۰۲-۱۹۰۳. فوائد مختلفی در معرفی نسخه از قلم مرحوم عبدالحسین حائری افتاده و شهرت جیبلی نیز به خطا جیبلی خوانده شده است.

۲ از دوست عزیزم استاد ابوالفضل حافظیان برای در اختیار گذاشتن برگ های از نسخه ۲۰۵ و وسائل الشیعة تشکر





بر اساس یادداشت‌های مورد بحث، نسخه زمانی در ایران و فارس بوده (کتابت سپس تملک توسط سماهیجی و بعد تملک ملا عبدالرحیم)، سپس نسخه به قطیف منتقل شده است و مدتی در تملک سید محمد صدید حسینی بوده و بعد از مرگ وی به شیخ مبارک جارودی انتقال یافته و سپس فرزندش شیخ عبدالله که به ایران و شهر شیراز مهاجرت کرده، نسخه را بار دیگر به ایران برگردانده و بعد از مرگش نسخه دست به دست شده، تا آنکه اکنون در مدرسه طالبیه تبریز نگهداری می‌شود. بررسی کاملتر نسخه ممکن است نکات دیگری را روشن کند.<sup>۱</sup>

از دیگر نسخه‌هایی که تملک عبدالله بن صالح سماهیجی و یادداشت‌هایی از عبدالله عتیق الحسین حسینی بر آن است می‌توان به نسخه شماره ۶۳۵ کتابخانه مدرسه مروی اشاره کرد که فردی در روز دوشنبه ۲۳ جمادی الثانی ۱۰۸۰ آن را کتابت کرده است. نسخه اخیر در تملک علی بن احمد حسینی مدنی در همان سال ۱۰۸۰ بوده و محتمل است که اساساً وی سفارش کتابت نسخه را داده باشد: (هو مالک؛ تشرف بملک هذا (الکتاب) من فضل المالك الوهاب عبده علی الصدر المدنی بن احمد الحسینی اوتیا کتابهما بيمينهما کتبه سنة ۱۰۸۰). سپس نسخه در تملک عبدالله بن صالح سماهیجی بحرانی در ۱۱۲۹ زمانی که او به ایران آمده و در شیراز بوده، درآمده است: (ثم من الله به علی عبده المسکین خادم المحدثین عبدالله بن صالح البحرانی فی دار العلم شیراز سنة ۱۱۲۹ والحمد لله وحده). نسخه بعد از سماهیجی در اختیار سید احمد نامی بوده و سپس در تملک شاگرد و جانشین سماهیجی در بهبهان، یعنی سید عبدالله بن علوی موسوی حسینی درآمده و او در یادداشتی بر نسخه چنین نوشته است:

«بسم الله؛ ثم بعد ان انتقل الی ملک السید احمد بالبیع الشرعی انتقل بالبیع الشرعی ایضاً فی ملک اقل عباد الله علماً و عملاً و اکثرهم زللاً الجانی الفانی عبدالله بن علوی بن عیسی عتیق الحسین الموسوی الحسینی عفی عنهم ومن المؤمنین والمؤمنات».<sup>۲</sup>

فراوان دارم.

۱ چند تصویر از تملکات نسخه به لطف استاد و دوست عزیزم آقای ابوالفضل حافظیان در اختیارم قرار گرفت و مطالب بیان شده بر اساس آنها می‌باشد.

۲ در کتابخانه ملی به شماره ۲۲۹۰۰ نسخه ای از کتاب العشرة الكاملة موجود است که در تملک عبدالله بن صالح سماهیجی بوده است و او در اشاره به تملک خود بر نسخه بر ظهر آن چنین نوشته است: «بسم الله الرحمن الرحیم؛ من جملة ممتلكات الفقیر الحقیر الجانی عبدالله بن صالح السماهیجی البحرانی هذا الکتاب المستطاب تألیف شیخی العلامة

حسن بن علی مهلبی از نگارش کتاب خود در روز شنبه ششم جمادی الثانی ۸۴۰ در شهر حله فراغت حاصل کرده و کتاب وی ردیه ای است بر کتاب المعارضة فی الرد علی الرافضة جمال الدین ابو المحاسن یوسف واسطی شافعی، معروف به طفیلی (قرن نهم) است.<sup>۱</sup> کتاب المعارضة با دو عنوان مختلف به چاپ رسیده است. یک بار با عنوان الحجج الباهرة فی إفحام الطائفة الکافرة الفاجرة با تصحیح عبد الله حاج علی منیب (ریاض: دار الإمام البخاری، ۱۴۲۰ق)، که در چاپ اخیر کتاب به خطا به جلال الدین دوانی (متوفی ۹۰۸) نسبت داده شده و بار دیگر با عنوان المناظرة بین السنة والشیعة و با تحقیق خالد بن عبد العزیز الجناحی (البحیره-مصر، ۲۰۱۰/۱۴۳۱) با انتساب صحیح به واسطی.

### تصحیف و تحریف عبارتی از کتاب وقعة صفین

حوادث و احداث قرن اول هجری از موضوعات مورد اهتمام مورخان قرن دوم و سوم بوده و شاهد نگارش تک نگاری های فراوانی در خصوص آنها هستیم، جز آنکه متن اصلی بسیاری از این نگاشته ها بدست ما نرسیده، اما بخش های مهمی از این متون را مورخان قرن چهارم و قرون بعدی در ضمن کتابهای خود نقل کرده اند، هر چند اخبار و مطالبی نیز توسط آنها نقل نشده و از بین رفته است. در میان حوادث رخ داده در قرن اول هجری که بعدها توجه شمار فراوانی از مورخان را به خود جلب کرده، نبرد صفین یکی از مهمترین حوادث تاریخی است که در کنار بعد تاریخی آن، جنبه های کلامی را نیز باید در نظر داشت.

مهمترین اثر درباره نبرد صفین، کتاب وقعة صفین از نصر بن مزاحم منقری است، که خود با بهره گیری از برخی متون کهنتر تألیف شده درباره نبرد صفین، کتابش را تألیف کرده است. از میان نویسندگان ادوار بعدی که توجه فراوانی به کتاب وقعة صفین داشته و مطالب بسیاری از آن را نقل کرده، ابن ابی الحدید است و می توان از آن به عنوان نسخه بدلی برای تصحیح کتاب وقعة صفین استفاده کرد.

الفهامة ادام الله تعالى ایامه واسیغ علیه انعامه بتاریخ عشرة من شهر جمادی الاولى سنة ۱۱۱۷هـ. عبدالرحیم بن رمضان نیز نسخه را بعدها از عبدالله عتیق الحسین حسینی خریداری کرده و یادداشتی در این خصوص بر نسخه نوشته که بخشی از آن زیر وصالی از بین رفته است و بخش موجود و قابل خواندن آن چنین است: «بعث هذا الكتاب وصایة مولینا ... الاواه السيد عبدالله وفقه الله تعالى ... عبدالرحیم بن رمضان».

۱ درباره حسن مهلبی بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۱، ص ۳۲۳-۳۲۵.





یکی از موارد جالب توجه در کتاب وقعة صفین، ماجرای درگیری میان عمار با عبدالله بن عمرو بن عاص است. در گفتگوی رد و بدل شده میان آنها، عمار، عبدالله بن عمرو بن عاص را متهم به فروختن دینش به معاویه و پیروی کردن از پدر فاسقش عمرو بن عاص کرده بود، اما عبدالله گفته بود که علت حضورش در صفین، خونخواهی عثمان است، که عمار در پاسخ او را متهم به دروغ گویی کرده بود و گفته بود که عبدالله در پی اطاعت از امر خدا نیست. خبر اخیر در متن تصحیح شده کتاب وقعة صفین توسط عبدالسلام، بر اساس نسخه های تحریف شده بوده و تفاوت چشمگیری با متن نقل شده از کتاب وقعة صفین توسط ابن ابی الحدید دارد. نخست بهتر است تا دو عبارت را نقل کنیم سپس به مقایسه آنها بپردازیم.

«... ثم نادى عمار عبیدالله بن عمر وذلك قبل مقتله، فقال يا ابن عمر! صرعتك الله! بعث دينك بالدنيا من عدو الله وعدو الاسلام، قال: كلا، ولكن اطلب بدم عثمان الشهيد المظلوم...» (وقعة صفين، ص ۳۲۰).

قال نصر: وحدثنى عمرو بن سعيد عن الشعبي، قال: نادى عمار عبدالله بن عمرو ابن العاص فقال له: بعث دينك بالدنيا من عدو الله وعدو الاسلام معاوية، وطلبت هواي ابيك الفاسق. فقال: لا ولكنني اطلب بدم عثمان الشهيد المظلوم...» (ابن ابی الحدید، ج ۵، ص ۲۵۳-۲۵۴).

در اینکه در متن نقل شده در کتاب وقعة صفین اشکالی وجود دارد، این نکته را باید مورد توجه قرار داد که جایی که خبر اخیر از آن نقل شده در خصوص عبدالله بن عمرو بن عاص است و بدون مقدمه ای در خبر اخیر که آن بحث آمده، به یکباره نام عبدالله بن عمر آمده است. به عبارت دیگر متن اخیر تعدا مورد تصرف قرار گرفته و کاتبان بعدی عبارت نصر بن مزاحم را که به نوعی تعارض با عقیده به عدالت صحابه بوده را تغییر داده اند و کلماتی از خبر را نیز حذف کرده اند که در آنها عمار عمرو بن عاص را فاسق خوانده و معاویه را نیز دشمن اسلام. همچنین خبر اخیر که به نقل از شعبی بوده، علت دیگری برای دخل و تصرف در آن و کاستن از تعارض آن با مسئله عدالت صحابه بوده است.

### نسخه ۵۶۹۰ کتابخانه آیت الله مرعشی و نکاتی در باب آن

در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۵۶۹۰ نسخه نفیسی از نهج البلاغه وجود دارد که بر



آن اجازه ای از قطب الدین راوندی برای زین الدین ابوجعفر محمد بن عبدالحمید بن محمد آمده به این شرح آمده است:

«قرأ عليّ كتاب نهج البلاغة من أوله إلى آخره الشيخ الإمام العالم زين الدين أبو جعفر محمد بن عبد الحميد بن محمد المدعوب... أدام الله توفيقه قراءة اتقان سعيد بن هبة الله بن الحسن حامداً مصلياً».

در یادداشتی دیگر قطب الدین راوندی طریق خود در روایت نهج البلاغه را چنین ذکر کرده است:

«يقول أبو الحسين الراوندي أخبرنا السيد بن معبد الحسيني عن الشيخ أبو عبد الله الحلواني عن الرضي هذا الكتاب وأخبرنا ابن الأخوة البغدادي عن الشيخ أبي الفضل محمد بن يحيى الناتي عن أبي نصر عبد الكريم بن محمد الديباجي عن الرضي رضي الله عنهم وللشيخ العالم زين الدين هذا أن يروي عني الكتاب كله بهذا الإسناد فانه بحمد (الله) أهل لذلك، صح».

همچنین بر روی نسخه اجازه ای از ابوالفضل راوندی - فرزند قطب الدین راوندی - برای شخصی به نام علاء الدین علی بن یوسف بن حسن نیز بر نسخه موجود است، که در آن از خواندن متن در نزدش سخن گفته و نوشته است:

«قرأ عليّ الشيخ الإمام علاء الدين جمال الحاج والحرمين علي بن يوسف بن الحسن دام توفيقه وإلى كل طريقه هذا المجلد قراءة محقق مدقق وأجزت له روايته عني عن جماعة عن (المصنف) رضي الله عنهم... أبو الفضل الراوندي حامداً...».

نسخه اخیر بعدها به دست عز الدین حسن بن علی بن محمد بن علی حسینی معروف به ابن الابرز افتاده، و او آن را بر یحیی بن احمد بن سعید حلی خوانده و در تاریخ ۲۷ شعبان ۶۵۵ از وی اجازه ای اخذ کرده که متن آن بر نسخه آمده است.<sup>۱</sup> متن اجازه عز الدین علی راوندی به ابونصر طیب چنین است:

۱ نسخه اخیر اساس کتابت نسخه شماره ۶۷۲۶ کتابخانه آیت الله مرعشی بوده است. نسخه ۵۶۹۰ را افندی دیده و اجازه آمده بر آن به علاء الدین جمال الحاج علی بن یوسف ابن حسن را در ریاض العلماء، ج ۴، ص ۲۹۲-۲۹۳ نقل کرده است. افندی بر این گمان است که ابوالفضل باید ابوالرضا باشد و شخص مجاز را سید ابوالرضا راوندی معرفی کرده است.





«قرأ وسمع عليّ كتاب نهج البلاغة الأجل الإمام العالم الولد الأخصّ الأفضّل جمال الدين، زين الاسلام شرف الائمة، علي بن محمد بن الحسن المتطّيب أدام الله جماله وبلّغه في الدارين آماله، قراءة وسماعاً يقتضيها فضله.

وأجزت له أن يرويه عني عن المولى السعيد والدي سقاه الله صوب الرضوان عن ابن معبد الحسيني عن الإمام أبي جعفر الطوسي عن السيد الرضي رضي الله عنه. ورويته له عن الشيخ الإمام عبدالرحيم بن الإخوة البغدادي عن الشيخ أبي الفضل محمد بن يحيى الناطلي عن أبي نصر عبدالكريم ابن محمد سبط بشر الديباجي عن السيد الرضي رضي الله عنه.

وروى لي السيد الإمام ضياء الدين علم الهدى سقى الله ثراه عن الشيخ مكي بن أحمد المخلطي عن أبي الفضل الناطلي عن أبي نصر عن الرضي رحمهم الله.

ورواه لي والدي قدس الله سره عن الشيخ الإمام أبي جعفر محمد بن علي بن الحسن المقرئ النيسابوري<sup>۱</sup> عن الحسن بن يعقوب الأديب عمّن سمعه عن الرضي رضي الله عنه.

كتبه علي بن فضل الله الحسيني حامداً مصلياً في رجب سنة تسع وثمانين وخمسمائة».

تاریخ درگذشت ابوالرضا راوندی دانسته نیست، اما تصریح فرزندش عزالدین ابوالحسن علی با به کاربردن کلمات اخیر که دلالت بر درگذشت پدرش دارد. محمد بن ابی نصر نیز در اجازه خود به تاریخ رجب ۵۸۷ از ابوالرضا به قید گذشته یاد کرده است. ظاهراً ابوالرضا راوندی حدود اواخر ۵۷۱ یا اواخر ۵۷۲ درگذشته باشد.

در برگ اب، نسخه کتابت شده توسط ورامینی، اطلاع مهمی درباره سید عزالدین ابوالحسن علی راوندی آمده و اینکه وی در قم سکونت داشته و مجلس درسی نیز داشته و ابیاتی از وی در ستایش نهج البلاغه نقل شده که کاتب در اشاره به این ابیات نوشته است:

۱ برای شرح حال ابوجعفر مقرئ از مشایخ سید ابوالرضا راوندی بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۱۸-۱۱۹. از جمله آثار مقرئ، کتاب الحدود در نسخه کهنی به خط احمد ابن مجتبی بن احمد حسینی به تاریخ صفر ۶۵۵ باقی مانده که در صفحه عنوان نسخه اخیر کاتب نوشته است: «کتاب الحدود، إملاء الشيخ الإمام العالم الزاهد، قطب الدين أبي جعفر محمد بن الحسن النيسابوري المقرئ رحمة الله عليه». کتاب بر اساس نسخه اخیر توسط مرحوم محمود یزدی مطلق (فاضل) تصحیح و منتشر شده است (قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام للتحقیق و التألیف، ۱۴۱۴).

«... السيد الامام الكبير العلامة عز الدين سلطان العلماء علي بن السيد الامام الكبير ... علم الهدى ... بمجلس درسه بقم حماها الله ارتجالاً...»<sup>۱</sup>.

### ابوالفضل ناتلی کیست؟

بهتر است نخست برای شناخت هویت فرد اخیر، از شهرت او آغاز کنیم. شهرت وی عموماً به صورت الناتلی و گاه الناقلی ذکر شده است و در یک مورد «الناتکی» درج شده، که البته شکل اخیر به دلیل آنکه معنی ندارد، تصحیف یکی از دو صورت قبل است.<sup>۲</sup> در نسخه نفیسی از نهج البلاغه متعلق به قرن ششم، موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۵۶۹۰ که دست خط ابوالحسین سعید بن هبة الله راوندی در دو جای نسخه آمده، شهرت اخیر به صورت الناتلی کتابت شده که به نظر صحیح نیز همین باشد. همین گونه در اجازه ابوالرضا راوندی بر ظهر نسخه نهج البلاغه متحف عراقی شماره ۳۷۸۴، شهرت محمد بن یحیی، الناتلی آمده است.

قطب راوندی در منهاج البراعة در ابتدا (ج ۱، ص ۴-۶) و آخر شرحش، طرق خود به نهج البلاغه را آورده است. وی در آغاز منهاج البراعة طریق امامی خود در نقل نهج البلاغه را متذکر شده و در پایان طریق خود از اهل سنت را آورده است، که در آن نام ناتلی نیز به عنوان استاد ابن اخوه آمده و چنین نوشته است:

«وقد ذكرنا اسناد نهج البلاغه من طريق الخاصة في صدر الكتاب ونذكر الآن اسناداً آخر من طريق العامة؛ وهو ما أخبرنا به الشيخ أبونصر الغازي عن أبي منصور العكبري عن الرضي رحمه الله. وقد أخبرنا أيضاً الامام أبوالفضل عبدالرحيم بن أحمد بن محمد بن ابراهيم ابن خالد المعروف بابن الاخوة عن السيدة النفيسة بنت المرتضى عن عمها الرضي واخبر ابن الاخوة البغدادي عن الشيخ أبي الفضل محمد بن يحيى الناتلي - در تصحيح مرحوم سيد عبداللطيف

۱ دانسته های اندکی درباره عزالدین ابوالحسن علی راوندی موجود است. بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۳، ص ۳۱۲-۳۱۳، ج ۴، ص ۱۷۷-۱۷۹. اشعاری که در نسخه کتابت شده توسط ورامینی در مدح نهج البلاغه آمده را مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی در مقاله خواندنی «فی رحاب نهج البلاغه (۴): ما قبل فی نهج البلاغه من نظم و نثر»، تراث، العدد الأول، السنة التاسعة (محرم-ربیع الاول ۱۴۱۴)، ص ۶۰-۱۱۰، صفحات ۶۶-۶۷ نقل کرده اند.

۲ بحار الانوار، ج ۱۰۶، ص ۶۶.



کوهکمری، شهرت اخیر به صورت البابلی آمده که نادرست است - عن أبي نصر عبدالکریم بن محمد الדיباجي المعروف بسبط بشر الحافي ... قال: قرىء على الشريف الرضي رضي الله عنه كتاب نهج البلاغة وأنا أسمع<sup>۱</sup>.

نام و نشانی از ابوالفضل محمد بن یحیی ناتلی که از مشایخ روایت ابن اخوه بوده، در کتابهای تراجم نگاری شافعیان نیامده است. اطلاع مهم درباره او، سلسله سند روایت کتاب الحثّ علی البحث ابوالحسن اشعری است، که با عنوان استحسان الخوض فی علم الکلام بارها منتشر شده است. از کتاب الحثّ علی البحث اشعری که متن و تحریر کاملتری از آن که باید تحریر دوم کتاب باشد، نسخه ای در اختیار عالم و متکلم نامور اشعری، ابوالقاسم سلمان بن ناصر نیشابوری انصاری (متوفی ۵۱۲) بوده و او تمام متن آن را در ضمن کتاب الغنیة فی الکلام با تصریح بن نام الحثّ علی البحث آورده است: (وقد قال أبو الحسن رضي الله عنه في كتاب المترجم بالحث على البحث أن طائفة ...)<sup>۳</sup>.

تحریر نقل شده از کتاب الحثّ علی البحث ابوالحسن اشعری در کتاب الغنیة انصاری، با متن چاپ شده به عنوان استحسان الخوض فی علم الکلام تفاوت هایی چشمگیر دارد، که دلالت بر این دارد نسخه نقل شده توسط انصاری تحریر دوم کتاب است. نکته مرتبط با بحث فعلی ما، سلسله سندی است که در آغاز رساله الحثّ علی البحث ابوالحسن اشعری آمده است، که سنت روایت و تداول متن را نشان می دهد. سلسله سند مورد بحث چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه وسلم تسليماً قال أبو صادق محمد بن يحيى بن علي القرشي أنبأنا الشيخ الامام الحافظ جمال الدين ابوالفضل عبدالرحيم بن

۱ قطب الدين سعيد بن هبة الله الراوندي، منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة، تحقيق السيد عبداللطيف الكوهكمرى (قم: مكتبة آية الله المرعشي العامة، ۱۴۰۶ق)، ج ۳، ص ۴۵۲-۴۵۵.

۲ برای شرح حال انصاری بنگرید به: عبدالغافر بن اسماعیل فارسی، المنتخب من السياق لتاريخ نيسابور، ص ۳۷۴-۳۷۶؛ سبکی، طبقات الشافعية الكبرى، ج ۷، ص ۹۶-۹۹.

۳ نسخه ای از کتاب الغنیة فی الکلام انصاری در کتابخانه احمد ثالث به شماره ۱۹۱۶ موجود است و بر اساس همین نسخه، ریچارد فرانک رساله الحثّ علی البحث ابوالحسن اشعری را منتشر کرده است. فرانک متن رساله اشعری را بر اساس تحریر های متداول دیگر که مختصر تر از تحریر نقل شده توسط انصاری بوده، را نیز در کنار تحریر انصاری به صورت دو ستونه بر اساس چند نسخه کهن آورده است. بنگرید به:

R.M. Frank, "Al-Ash'arī's Kitāb al-Ḥathtg 'Alā L-Baḥth," Mēlanges, 1988, 18, pp.83-152



احمد بن محمد بن محمد بن ابراهیم بن خالد المعروف بابن الأخوة سنة اثنتين واربعين وخمس مائة انبانا الشيخ ابوالفضل محمد بن يحيى الناطلي بمازندران في منزله بقراءتي عليه انبانا ابوالنصر عبدالكريم بن محمد بن هارون الشيرازي انبانا علي بن رستم حدثنا علي بن مهدي قال سمعت الشيخ الأوحّد شيخ المشايخ ابالحسن علي بن اسماعيل الاشعري يقول...<sup>۱</sup>

بر اساس سلسله سند آمده، کتاب الحثّ علی البحث یا استحسان الخوض فی علم الکلام، به روایت یکی از سه شاگرد برجسته ابوالحسن اشعری، ابوالحسن علی بن محمد بن مهدی مامطیری است. مامطیری نسخه ای از کتاب ابوالحسن اشعری را به خود به زادگاهش مامطیر (بابل کنونی) برده و در آنجا به روایت آن پرداخته است.<sup>۲</sup>

شاگرد مامطیری، علی بن رستم که باید از اهالی همان مناطق شمالی ایران باشد، کتاب را به روایت مامطیری، برای ابونصر عبدالکرمیم بن محمد بن هارون شیرازی، که همان فرد عبدالکرمیم بن محمد دیباجی هارونی مشهور به سبط بشر حافی باید باشد، نقل کرده است. فرد اخیر کتاب را برای شخصی به نام ابوالفضل محمد بن یحیی ناطلی روایت کرده است. ادامه سلسله سند کمک می کند تا ابوالفضل ناطلی آمده در این سلسله سند را همان ابوالفضل ناطلی استاد ابن اخوه بدانیم، چرا که در ادامه سلسله سند، فردی که راوی کتاب از ناطلی ذکر شده، کسی جز ابن اخوه نیست.

۱ نسخه کهنی از رساله استحسان الخوض ابوالحسن اشعری به شماره ۲/۲۱۶۱ در کتابخانه فیض الله افندی، برگ های ۱۹-۵۲ ر موجود است، که شخصی به نام عبدالرحمن بن عبدالله ابن عبدالحلیم بن عمران در ربیع الاول ۶۷۷ از کتاب آن فراغت حاصل کرده و در انجامة نوشته است: «... و فیما ذکرنا کفایة لكل عاقل غیر معاند آخره والحمد لله وحده وصلى الله على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه وسلم ويعقبه ما صورته سمعت جميعه بقرائي على الشيخ المحدث أبي صادق محمد بن الحافظ الرشيد أبي الحسن يحيى بن علي بن عبدالله بن مفرج القرشي وفقه الله تعالى ورحم سلفه بمنزله بمصر كتبه عبدالرحمن بن عبدالله ابن عبدالحلیم بن عمران في ربیع الأول سنة ۶۷۷ عابداً مصلياً». تفتن به این مطلب که کلید حل قرائت صحیح شهرت ناطلی یا ناقلی کدام درست است، حاصل تفتن دوست گرامی آقای رسول جزینی است. درباره ناطل از شهر های مازندران بنگرید به: سمعانی، الانساب، ج ۵، ص ۴۴۱.

۲ ابوالحسن علی بن محمد بن مهدی مامطیری طبری، یکی از چهار شاگرد اصلی ابوالحسن اشعری در سنت اشاعره است. مامطیری همچنین کتابی به نام نزهة الابصار و محاسن الآثار دارد که در آن سخنان امیر المؤمنین علیه السلام را تدوین و گردآوری کرده است. درباره ابوالحسن علی بن مهدی طبری مامطیری بنگرید به: عبدالوهاب بن علی سبکی، طبقات الشافعية الكبرى، ج ۳، ص ۳۶۹، ۴۶۶-۴۶۸.



## یکی از روایان کمتر شناخته شده نهج البلاغه از اهل سنت

یکی از مشهورترین روایان نهج البلاغه از اهل سنت، عبدالله بن محمود بن مودود بلدجی است. اطلاع دیگر ما درباره نقش شاگردان بلدجی در روایت نهج البلاغه، نسخه ای در کتابخانه ملی پاریس به شماره ۶۹۹۲ نسخه های عربی است. نسخه اخیر مشتمل بر قطعه ای از نهج البلاغه، یعنی نیمی از خطبه ۱۸۶ و دو خطبه ۱۹۴ و ۱۹۵ است که شخصی به نام محمد بن ... (شاید اسعد) بن نصر الزاهد آن را با نسخه شخصی به نام ابوالفتح علی بن یوسف بن محمد بن هبة الله بن البوقی مقابله کرده است. در معرفی بوقی گفته شده که وی از شاگردان عبدالله بن محمود بن مودود بلدجی بوده است. محمد بن نصر زاهد از اینکه نسخه خود را نزد بوقی خوانده، نیز سخن گفته و چنین نوشته است:

«هو؛ قابلت هذا الكتاب وهو نهج البلاغة المنتزع من كلام امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه افضل الصلاة والسلام أضعف عباد الله تعالى محمد بن ... بن نصر الزاهد تجاوز الله عن سياته بنسخة التي قابلها وصححها وسمعها علي الشيخ السعيد الامام العالم الفاضل الكامل الورع بقية السلف فخر الدين ابي الفتح علي بن يوسف بن محمد بن هبة الله بن البوقی تغمده الله تعالى برحمته واسكنه مجبوحة جنته بحق روايته عن الشيخ الامام مجد الدين عبدالله بن محمود بن مودود بن بلدجی، رحمة الله قراءة عليه عن النقيب الطاهر كمال الدين ابي الفتوح حيدر بن محمد بن زيد بن محمد بن احمد بن زيد الحسيني تغمده الله برحمته سماعاً عن شيخه ابي جعفر محمد بن علي بن شهر آشوب السروي قراءة عليه بروايته عن السيد المنتهي (بن) ابي زيد بن كياپكي الحسيني الجرجاني عن ابيه ابي زيد عن المؤلف الشريف الرضي ابي الحسن محمد بن الحسين بن موسى الموسوي مع مولانا الشيخ الامام العالم الفاضل الكامل السالك الناسك الورع جلال الملة والدين خليل بن يوغلي بن اسماعيل الرومي البورغلوي مولداً ادام الله تعالى ايامه وبلغه في الدارين مرامه، وهو يقراء من هذه النسخة ونسخة الاصل المقدم ذكرها بيدي فصحت هذه النسخة حسب الجهد والطاقة وذلك في تواريخ آخرها يوم الخميس غرة شهر رجب المبارك من سنة ... سبع مائة هلالية واجزت له روايتها عني بالاسناد المقدم ... بشرط الاحتياط حسبما هو معتبر عند اهل العلم والحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا ... المرسلين محمد وآله الطاهرين».



حواشی متعددی در اطراف و بین سطور نوشته شده است. شهرت بوقی در اطلاعاتی که در خصوص نسخه در کتابخانه ملی پاریس آمده، به خطا نوفی ذکر شده که نادرست است؛ او فخر الدین ابوالفتح علی بن ابی المظفر یوسف بن محمد بن هبة الله بن یحیی بن حسن بن احمد واسطی بغدادی معروف به ابن بوقی (متوفی ۷۰۷) است.<sup>۱</sup>

درباره خلیل بن یوغلی بن اسماعیل رومی، اکنون اطلاعات خوبی بدست آمده است. در کتابخانه مراد ملا به شماره ۶۸۳ نسخه ای از کتاب غایة الوصول و ایضاح سبل فی شرح مختصر منتهی السؤل و الأمل علامه حلّی موجود است، که در زمان حیات علامه حلّی توسط یکی از شاگردان او کتابت شده است. شاگرد مذکور که در انجام خود را علی بن ابراهیم بن حسن پریمی طبری معرفی کرده، اهل روستای پریم در ناحیه استانداریه بخش دیلمان است: (... صادف الفراغ من کتبه یوم الثلاثاء آخر النهار رابع شهر ذی القعدة من سنة ثلاث وسبعمائة علی ید الفقیر الی الله تعالی علی بن ابراهیم بن الحسن الفریجی الطبری غفر الله له و لجمیع المؤمنین آمین رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهیرین). نسخه مذکور بعدها در اختیار خلیل بن یوغلی بن اسماعیل ملیفدونی رومی بوده و او حواشی فراوانی بر نسخه نوشته و تاریخ فراغت از نگارش حواشی را نیز ۷۰۸ اندکی بعد از کتابت نسخه در ۷۰۳ ذکر کرده و در کنار انجامه نسخه در اشاره به تصحیحات و حواشی خود بر نسخه نوشته است:

«اوایل جمادی الاول سنة ثمان وسبعمائة هجرية طالع فيه واستفاد منه واصلح بعض الخلل الذي اطلع علمه فيه بحسب طاقته البشرية خلیل بن یوغلی بن اسماعیل الملیفدونی الرومی احسن الله اولاً و اخره و بلغه فی الدارین آماله، اللّهُمَّ اغفر لنا ولصحابه و لمن نظر فیہ و استفاد منه بوجهک الکریم و صل علی محمد وآله اجمعین».

خلیل بن یوغلی، علامه حلّی را به خوبی می شناخته و در برخی از حواشی خود از او با تعبیر «و قول الشارح ادام الله برکته» یاد کرده است.<sup>۲</sup> در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به

۱ شناخت هویت او را مرهون تذکر دوست گرامی سید علاء موسوی دمشقی هستیم. توجه به این نسخه حاصل تذکر دوست گرامی آقای رسول جزینی بوده است.

۲ شناخت این نسخه را مدیون توجه دوست گرامی محمد نوری موسوی هستیم که سر لطف تصویر نسخه را نیز برای بنده فرستادند.



شماره ۱۳۳۶ مجموعه ای موجود است، که شامل چند رساله عرفانی و دو رساله کوتاه حدیثی است که خلیل بن یوغلی بن اسماعیل ملفیدونی، میان سالهای ۷۰۸ تا ۷۱۰ کتابت کرده است. یکی از رساله ها در ربیع الآخر ۷۱۰ و در بغداد و رساله ای دیگر در اواخر شوال ۷۰۸ در همدان کتابت شده است. تعابیر آمده در انجامه های مجموعه اخیر، نشانگر آن است که وی شیعه نبوده است. برای مثال وی در انجامه رساله ای که در بغداد نگارش آن را به پایان برده، چنین نوشته است:

«... الحمد لله على التوفيق بالاتمام والصلوة والسلام على رسوله محمد خير الانام وعلى آله واصحابه مؤيدي الاسلام على يد العبد المسكين المذنب الراجي غفران ربه وعفوه خلیل بن یوغلی بن اسماعیل الملفیدونی الروی بمدينة السلام بغداد، حماها الله تعالى وحرسها عن جميع الآفات يوم الاربعاء ثامن عشري ربیع الآخر سنة عشر وسبعمئة حامداً لله تعالى ومصلياً على نبيه وآله اجمعين وسلماً كثيراً»<sup>۱</sup>.

### کتاب التاج اثر کرامی نویافته و اهمیت آن

یافت شدن آثار جدید، خاصه از نحله ها و جریان های فکری - مذهبی سده های گذشته، این امکان را به ما می دهد تا شناخت خود از آنها را اصلاح کرده و تصویر بهتر و دقیقتری از آنها ارایه بدهیم. کرامیه یکی از جریان های مهم خراسان از سده سوم هجری تا دست کم قرن هفتم / هشتم هجری است که شناخت ما اکنون از آنها به واسطه یافت شدن برخی متون تألیف شده توسط عالمان کرامی، به واقع نزدیک تر شده و ما می توانیم تصویر بهتری از آنها که پیشتر محدود به مطالب کتابهای ملل و نحل نویسان، عموماً شافعی دشمن کرامیه بوده، ارایه بدهیم. از میان متن های مهم کرامی تازه یافت شده، کتابی است به فارسی به نام التاج که عالم کرامی به نام ابونصر مهدی بن احمد بن مهدی احتمالاً هروی آن را در نیمه دوم قرن پنجم هجری تألیف کرده است. کتاب التاج در نسخه ای منحصر به فرد در کتابخانه خریوت

۱ تفطن به نسخه اخیر حاصل تذکر دوست گرامی رسول جزینی است. دوست گرامی سید علاء الموسوی در تذکری در خصوص خلیل بن یوغلی رومی ملفیدونی گفته اند: «خلیل بن قزغلی بن اسماعیل الملفیدونی الروی والملفیدونی نسبة الی ملفیدون فی أرض الروم».



به شماره ۱۷۳ (در ضمن کتابخانه سلیمانیه) نگهداری می شود و شناخت ما از این نسخه، مرهون تفتن و دقت دوست گرامی آقای بهروز ایمانی است که درباره اهمیت نسخه مورد بحث در مقاله ای سخن گفته اند و از سر لطف تصویر نسخه را نیز در اختیار من قرار دادند. من سعی می کنم در این بخش، به برخی نکات مهم دیگر نسخه اشاره کنم.<sup>۱</sup>

بر اساس تحقیق دوست ارجمند جناب آقای ایمانی، بهترین مطالبی که درباره نویسنده کتاب التاج می توان گفت؛ چنین است: درباره مؤلف کتاب التاج به جز مطالبی که در نسخه بدست آمده در اختیار داریم، نام وی تنها در ضمن شرح حال یکی از عالمان کرامی نیشابور آمده و جز آن در منابع موجود سخنی از وی به میان نیامده است. مشایخ نویسنده کتاب التاج عموماً از عالمان کرامی و غیر کرامی ساکن در نیشابور هستند، که نشان از این دارد نویسنده کتاب التاج مدتی در نیشابور اقامت داشته است. از مهمترین این افراد می باید به ابومحمد عبدالسلام بن هیصم بن محمد (متوفی ۴۴۲) که نویسنده کتاب التاج به واسطه او از هیصم بن محمد و احمد بن خلیل سرخسی نعیمی نقل روایت کرده و ابومحمد حامد بن احمد بن جعفر طخیری اشاره کرد.<sup>۲</sup> فرد اخیر از مشایخ مهم نویسنده کتاب التاج بوده و به واسطه وی از عالمان نامور کرامی چون ابوعبدالرحمن محمد بن عبدالرحمن بن محمد بن محبور تمیمی، حاکم نیشابوری (متوفی ۴۰۵)؛ ابوعمر و محمد بن یحیی بن حسن جوری / خوری (متوفی ۴۲۷)، نویسنده کتاب فی قوارع القرآن؛ محمد بن هیصم و کسان دیگری نقل روایت کرده است.

نویسنده کتاب التاج در جایی (برگ ۱۱۶ الف - ب) تصریح به اقامت طخیری در نیشابور کرده و او را از عالمان و بزرگان ساکن در آن شهر معرفی کرده، که نشان از این دارد، خود در هنگام نگارش کتاب در آن شهر ساکن نبوده است. نویسنده کتاب التاج مطالب فراوانی از قول طخیری در کتابش نقل کرده که برخی را از مکتوبات او آورده است. بخش مهمی از

۱ بنگرید به: بهروز ایمانی، «کتاب التاج تألیف ابونصر مهدی بن احمد بن مهدی: متنی کرامی به فارسی از سده پنجم هجری»، آینه پژوهش، شماره مسلسل ۱۸۶، سال سی و یک، بهمن و اسفند ۱۳۹۹ش، ص ۳۹-۶۰.  
۲ درباره قرائت شهرت ابومحمد حامد بن احمد بن جعفر که باید طخیری باشد، دوست گرامی آقای سید محمد حسین حکیم بحث دقیقی در مقدمه نسخه برگردان صحیفه سجادیه (تهران، ۱۳۹۹ش)، صفحه چهل و پنج و چهل و شش، پاورقی ۲ آورده اند که به آن مراجعه شود. احمد سلوم نیز که کتاب فی قوارع القرآن را منتشر کرده، شهرت اخیر را به درستی بر اساس کتابت مشایخی که کتاب فی قوارع القرآن بر آنها قرائت شده، طخیری می داند.





روایت هایی که نویسنده کتاب التاج به واسطه طخیری نقل کرده، از عالم حنفی نامور نیشابور ابوعمر و محمد بن یحیی بن حسن خوری (متوفی ۴۲۷) است. ابوعمر و خوری کتابی به نام فی قوارع القرآن دارد که مورد توجه کرامیان نیشابور نیز بوده است.<sup>۱</sup> اکنون بر اساس مطالب بیان شده، می توان مطلبی را که عبدالغافر بن اسماعیل فارسی درباره نویسنده کتاب التاج در ضمن شرح حال ابومحمد حامد بن احمد بن جعفر بن بسطام طخیری آورده را اصلاح کرد. در کنار مشایخ نیشابوری نویسنده کتاب التاج، بخش مهم دیگری از مشایخ او اهل هرات هستند که این افراد عبارتند از: ابوعمر و عبدالواحد بن احمد ملیحی هروی (متوفی ۴۶۳) و ابوعلی محمد بن فضل بن محمد حافظ هروی (متوفی ۴۵۰)؛ و محتمل است که نویسنده کتاب التاج از عالمان کرامی ساکن در هرات باشد، جز آنکه قدر مسلم وی مدتی در نیشابور ساکن بوده است. همچنین نویسنده کتاب التاج، کتاب الجامع الصحیح محمد بن اسماعیل بخاری را به روایت از استادش عبدالسلام بن محمد بن هیصم (متوفی ۴۴۲) از ابوحامد احمد بن عبدالله بن نعیم بن خلیل نعیمی سرخسی (متوفی ۳۸۶) روایت کرده است (برگ ۱۳ الف). ابوحامد نعیمی سرخسی، از شاگردان محمد بن یوسف فربری یکی از روای اصلی صحیح بخاری بوده و گفته شده که در هرات سکونت گزیده است (نزیل هراة).<sup>۲</sup>

در کنار صحیح بخاری، دیگر اثری که نویسنده کتاب التاج، روایت های فراوانی از آن نقل کرده، کتاب الترهیب و الترغیب و یا کتاب الآداب ابواحمد حمید بن زنجویه (متوفی ۲۴۷) است. هر دو کتاب اخیر زنجویه مشتمل بر روایت هایی متناسب با موضوع کتاب بوده، و در شمار آثار بسیار مشهور زنجویه در میان محدثان خراسانی بوده است، جز آنکه با تصریح به منابع که محمد بن احمد بن عبدالجبار ربانی، راوی کتاب الترهیب زنجویه بوده، به نظر کتاب اخیر منبع مورد استفاده نویسنده کتاب التاج بوده است، چرا که وی طریق متصل خود در روایت از زنجویه را به واسطه شیخ روایت خود ابوالقاسم عبدالوهاب بن محمد خطابی<sup>۳</sup>

۱ برای شرح حال خوری بنگرید به: فارسی، المنتخب من السياق، ص ۳۵، شرح حال ۶۵.

۲ برای شرح حال نعیمی بنگرید به: سمعانی، الانساب، ج ۵، ص ۵۱۰-۵۱۱؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۴۸۸.

۳ شرح حال مستقل او را نیافتم، اما در چند جا که اسم او را یافتم تصریح به سکونت او در هرات شده است. بنگرید به: ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۵، ص ۳۶۲-۳۶۳؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۳۹۰.

که از وی روایت های بسیار فراوانی نقل کرده است؛ از ابو محمد عبدالرحمن بن ابی شریح از ربانی از زنجویه ذکر کرده است. عبدالکریم سمعانی (متوفی ۵۶۲) ضمن اشاره به زیارت قبر زنجویه در نسا، گفته که در کنار قبر او از خواندن کتاب الآداب فراغت حاصل کرده است.<sup>۱</sup> همانگونه که گفته شد از میان مشایخ نویسنده کتاب التاج، یعنی ابونصر مهدی بن احمد بن مهدی، ابو محمد حامد بن احمد بن جعفر طخیری است که روایت های متعددی از او نقل کرده و عموماً روایت های نقل شده از بزرگان کرامی نیشابور در نیمه دوم قرن چهارم، خاصه محمد بن هیصم است. نکته آخر دلالت دارد که نویسنده کتاب التاج در نیشابور از شاگردان طخیری بوده و به این ویژگی نیز شناخته شده و مشهور بوده است. این نکته اهمیت خاصی دارد که در ادامه از آن سخن خواهم گفت.

درباره نویسنده کتاب التاج، تنها نامش پیشتر در ضمن شرح حال یکی از عالمان کرامی که عبدالغافر فارسی (متوفی ۵۲۹) در کتاب السیاق آورده، آمده است. عبدالغافر فارسی شرح حال بسیار کوتاهی از عالم کرامی، ابو محمد حامد بن احمد بن جعفر بن بسطام طخیری/ طخیری آورده و درباره وی چنین نوشته است:

«من أصحاب أبي عبدالله (محمد بن کرام)، عالم، زاهد، صحب المهدي بن محمد من كبار أصحابهم، وتخرج به وكان من الزهد والورع من الأفراد».

عبارت کوتاه اخیر با اطلاعی که اکنون به واسطه نسخه خطی کتاب التاج در اختیار داریم، نیاز به کمی اصلاح دارد، فارسی در شرح حال طخیری ضمن اشاره به اهمیت او به عنوان یکی از عالمان کرامی مشهور نیشابور، به شاگرد نامور وی یعنی مهدی بن محمد که خود از عالمان کرامی برجسته نیشابور بوده، اشاره کرده و به هم صحبتی آن دو تصریح کرده، جز آنکه عبارت به شکل تصحیح شده، یا آنگونه که ابراهیم صریفینی استنساخ کرده دچار تصحیف شده است و به جای «صحاب المهدي بن محمد» باید «صحابه المهدي بن محمد» باشد. ادامه عبارت فارسی به رابطه میان آن اشاره دارد و تصریح دارد که مهدی بن محمد از طخیری نقل روایت می کرده است (و تخرج به). پیش از در اختیار قرار گرفتن نسخه کتاب التاج،

۱ بنگرید به: الانساب، ج ۵، ص ۴۸۴.





در باره عبارت های اخیر تصور دیگری رایج بود. به دلیل آنکه درباره مهدی بن محمد / احمد اطلاعی در دست نبود، گمان این بود که تصحیفی در نقل اخیر رخ داده و در اصل به جای «مهدی بن محمد»، باید «هصیم بن محمد» بوده باشد، که از عالمان شناخته شده کرامیه بوده است و اشاره فارسی در خصوص هم صحبتی و شاگردی و استادی نیز به معنی آن است که طخیری شاگرد فرد اخیر است؛ نکته ای که اکنون به واسطه کتاب التاج می دانیم بر عکس است و قصد فارسی در شرح حال طخیری، معرفی کردن شاگرد وی یعنی مهدی بن احمد / محمد است. بر اساس توضیحات نقل شده و مطالبی که در کتاب التاج آمده، عبارت فارسی در شرح حال کوتاه طخیری باید چنین اصلاح شود:

« من أصحاب أبي عبدالله (محمد بن کرام)، عالم، زاهد - صحبه المهدي بن محمد من كبار أصحابهم، وتخرج به - وكان من الزهد والورع من الأفراد.»

کتاب التاج متن بسیار با اهمیتی از حوزه کرامیه قرن پنجم خراسان است و نویسنده کتاب نیز از کرامیان برجسته خراسان است، که یک چندی در نیشابور بوده و احتمالاً اهل هرات باشد و به نظر می رسد، فردی که کتاب به وی تقدیم شده، از امیران هرات است. پدر نویسنده التاج از شاگردان محمد بن هیصم و خود او نیز شاگرد عبدالسلام بن محمد بن هیصم بوده و اکنون ما متنی از حلقه مهم کرامیان نیشابور، یعنی مکتب محمد بن هیصم را به فارسی در اختیار داریم. نثر کتاب زیبا و دلکش است. نسخه کتاب فاقد انجامه است، اما با توجه به عبارت ترصیه، که نویسنده کتاب برای استادش عبدالسلام بن محمد بن هیصم (متوفی ۴۴۲) به کار برده، تاریخ نگارش کتاب باید بعد از این تاریخ باشد و نسخه حاضر به دلیل برخی خطاها در کتابت اسامی خاص، طبعاً نسخه اصل نیست و کتابتی متاخر از آن است.

بررسی روایت های نقل شده در کتاب التاج نشان از این دارد که کتاب تخریجی از کتاب الترغیب و التهیب حمید بن زنجویه است، که نویسنده احادیثی را از آن انتخاب کرده و به فارسی ترجمه کرده است، هر چند از منابع دیگر نیز بهره برده، اما حجم مطالب نقل شده بیشتر از این کتاب است. کما اینکه اخباری نیز به طریق متصل که در سلسله سند آن نام هیصم بن محمد کرامی نیز هست، از کتاب اللؤلؤیات مکحول بن فضل نسفی نقل کرده

است. کتاب اخیر در خصوص نشان دادن توجه عالمان کرامی به ادبیات تریب و ترغیب نگاری، اهمیت فراوانی دارد و نشان از این دارد که آنها در این زمینه همان روایت های متداول در میان دیگر محدثان خراسانی را نقل می کرده اند.

### زیدیه و مسئله خلق قرآن

مسئله حادث یا قدیم بودن قرآن از مسائل مورد توجه در کلام اسلامی در نیمه دوم قرن سوم هجری است، که در روزگار مأمون و جانشینان او یک چندی اسباب نزاع و درگیری شدید را فراهم آورد و زمانی که معتزله برای به کرسی نشاندن عقاید خود از قدرت سیاسی بهره گرفت، محنت پدید آمد. درباره ابعاد تاریخی موضوع محنت، کارها و تحقیقات چندی انجام شده که از میان آنها تحقیق فهمی جدعان را می توان نام برد. جنبه ای که کمتر در موضوع اخیر مورد توجه قرار گرفته، دیدگاه و موضوع زیدیه در خصوص مسئله قدم یا مخلوق بودن قرآن و تأثیر آن بر جامعه زیدیه عراق است. منبع مهمی که می تواند دیدگاه های مختلف زیدیه در قرن سوم در خصوص مسئله اخیر را در اختیار ما قرار دهد، بخش آخر یا کتاب الزیادات الجامع الکافی ابو عبدالله محمد بن علی علوی کوفی (متوفی ۴۴۵) است که به تفصیل عقاید زیدیه در موضوع مورد بحث را به نقل از مصادر کهن تر، خاصه کتاب الجملة محمد بن منصور مرادی (متوفی ۲۹۲) عالم و محدث نامور زیدی، که خود مدت های مدیدی از ملازمان و شاگردان قاسم بن ابراهیم رسی (متوفی ۲۴۶) بوده، نقل کرده است.<sup>۱</sup> مطالبی که مرادی از امامان و رهبران زیدی، خاصه قاسم بن ابراهیم نقل کرده، پرتوی تازه ای بر ابعاد مسئله اخیر و نحوه مواجهه زیدیه با آن می افکند. همچنین مطالبی که مرادی از قاسم بن ابراهیم رسی نقل کرده، در تألیفات این امام پر اثر زیدی موجود نیست و این اهمیت مطالب نقل شده را دو چندان می کند.

ابو عبدالله کوفی، بحث خود در مسئله خلق قرآن را با نقل قول از عبدالله بن موسی بن عبدالله بن حسن (متوفی ۲۴۷) عالم و بزرگ زیدی متنفذ روزگار خود شروع می کند، که در

۱ کتاب الجامع الکافی به تازگی منتشر شده است، اما با تأسف فراوان بخش زیادات در این چاپ نیامده است. همین گونه جمال الشامی بخش زیادات را به صورت جداگانه منتشر کرده با این حال نیز او تمام بخش مذکور را تصحیح نکرده و بخش خلق قرآن را از قلم انداخته است. من در بحث از مسئله اخیر به نسخه های خطی کتاب الجامع الکافی مراجعه کرده ام.





مسئلهٔ اخیر محل مراجعه دیگر زیدیان نیز بوده است. محمد بن منصور مرادی بیان می‌کند که او از عبدالله بن موسی در خصوص مسئلهٔ خلق قرآن پرسیده که آیا وی از کسی از پدرانش قول به خلق قرآن را شنیده است؟ عبدالله پاسخ می‌دهد که خیر. در ادامه مرادی نقل می‌کند که عبدالله در مسئلهٔ اخیر، اکراه فراوان به سخن گفتن داشت و هنگامی که در حضور او سخن از مسائل مورد بحث کلامی می‌رفت، تنها می‌گفت که ما بر اسلام هستیم و سکوت می‌کرد. دیدگاه مورد حمایت عبدالله بن موسی در میان دیگر زیدیان نیز هوادارانی یافته بود؛ رهبران زیدی بیم آن داشتند که ابراز نظر صریح در خصوص مسئلهٔ خلق یا قدم قرآن باعث دو دستی در میان جامعهٔ زیدیه شده و هواداران آنها را از کنارشان پراکنده کند. دیگر رهبر زیدی این دوران، احمد بن عیسی بن زید نیز آنگونه که مرادی در کتاب *الجملة* آورده، بر همین نظر بوده است. مرادی در کتاب اخیر خود نوشته که وی از احمد بن عیسی شنیده که او بر قائلین به خلق یا قدم قرآن رحمت می‌فرستاده و در نظر او عقیده به اجمال در مسئلهٔ اخیر، یعنی همین امر که قرآن کتاب خدا می‌باشد، کفایت می‌کرده و آن را عقیدهٔ اسلاف خود می‌دانسته است و معتقد بوده که هر دو سر ماجرا در مسئلهٔ خلق یا قدم قرآن بر برائت جستن از یکدیگر، بر خطا هستند و به صراحت بیم خود را از اینکه مسئلهٔ اخیر باعث دو دستی میان هواداران امام زیدی قیام‌کننده شود، بیان کرده بود.

با این حال گاه نقل قولهایی متفاوت نیز از رهبران زیدی نقل شده است. به عنوان مثال حسین بن فرات و محمد بن جمیل و محمد بن راشد نقل کرده اند که آنها از عبدالله بن موسی بن عبدالله پرسیده بودند، وی دربارهٔ قرآن چه نظری دارد؟ او پاسخ داده بود که وی بر این گمان است که هر که پندارد قرآن مخلوق است، کافر است؛ گفته ای که ابو عبدالله علوی آن را به نقل گروهی دیگر از هواداران زیدی نقل کرده، اما وی روایتی دیگر با اسنادی از رجال زیدی: (حدثنا میمون بن حمید قال حدثنا اسحاق بن محمد قال حدثنا عبید بن کبیر قال حدثنا عباد بن یعقوب و یحیی بن حسین بن فرات قالاً) آورده که در آن دو تن از رجال نامدار زیدی کوفه، یعنی: عباد بن یعقوب رواجی و یحیی بن حسین بن فرات از قول عبدالله بن موسی بن عبدالله نقل کرده که وی در مسئلهٔ اخیر چنین گفته است: «قالا سمعنا عبدالله بن موسی بن عبدالله یقول: القرآن کلام الله لیس بمخلوق».

حسین بن حکم بن مسلم نیز بخشی از نامه قاسم بن ابراهیم رسی به عبدالله بن موسی بن عبدالله بن حسن را نقل کرده که در آن رسی از وی در مسئله خلق قرآن پرسش کرده بود و او پاسخ داده بود که به نظر او پرسش در این مسئله درباره قرآن بدعت است، که فرد پرسشگر و پاسخ دهنده هر دو بر خطا هستند، ابراهیم بن مبشر نیز نقل کرده که از عبدالله بن موسی درباره مسئله خلق قرآن پرسش کرده و او پاسخ داده بود که قرآن کلام خدا و کتاب اوست. ابراهیم بن مبشر در ادامه گفتگوی خود با عبدالله به او می گوید که گروهی از اصحاب آنها معتقد هستند که قرآن مخلوق است و هر که چنین نگوید، کافر است (فقلت ان عندنا قوما يقولون انه مخلوق ويقولون من لم يقل انه مخلوق فهو كافر). عبدالله پاسخ می دهد که افراد اخیر به کفر نزدیک تر و اولی تر هستند.

پس از نقل مطالب اخیر، ابو عبدالله علوی از کتاب الجملة محمد بن منصور مرادی نقل می کند که او گفته است، وی از قاسم بن ابراهیم رسی، درباره مخلوق یا قدم قرآن پرسش کرده و قاسم بن ابراهیم در پاسخ به او گفته که قرآن کلام خدا و وحی و تنزیل اوست و از مرادی خواسته که درباره قرآن بیش از این مطالب سخنی نگوید: (لا تجاوز هذا الى غيره) و گفته که اسلاف آنها (کان اسلافنا) بر همین عقیده بوده اند. مرادی در ادامه نوشته که با وجود چنین اظهار نظری، قاسم بن ابراهیم قائل به خلق قرآن بود، اما این عقیده را پنهان می کرد: (قال محمد وكان يقول بخلق القرآن يضر ذلك). همچنین از قاسم بن ابراهیم پرسش شده بود که آیا با امام زیدی که قائل به خلق قرآن است، می شود بیعت کرد؟ و او پاسخ مثبت داده بود. با این حال، در ادامه اقوالی از بزرگان خاندان پیامبر نقل شده که آنها اصرار بر این داشته اند که درباره قرآن تنها بگویند که کلام خداست و نه بیشتر. به عنوان مثال محمد بن منصور مرادی در همان کتاب الجملة روایتی آورده که در آن محمد بن مسلم بن شهاب زهري از امام سجاد عليه السلام نقل شده که از ایشان درباره قرآن پرسش کرده اند و آن حضرت پاسخ داده اند که قرآن کلام خدا و کتاب اوست و بیش از آن در این مسئله سخنی نخواهند گفت: (كلام الله وكتابه، لا اقول غير ذلك). مرادی همچنین از قول حرب بن حسن طحان از احمد بن مفضل از معاوية عن عمار نقل کرده که فرد اخیر، یعنی عمار دهنی از امام صادق عليه السلام درباره





قرآن که آیا مخلوق یا قدیم است، پرسش کرده و آن حضرت پاسخ داده بودند، قرآن نه خالق و نه مخلوق است، بلکه کلام خداوند است. ابو عبدالله کوفی پس از مطالب اخیر، مطلب بلندی از کتاب الجملة محمد بن منصور مرادی درباره برادر قاسم بن ابراهیم رسی، یعنی محمد بن ابراهیم نقل کرده و در اشاره به دیدگاه او درباره قدم قرآن می نویسد:

«... سمعت القاسم بن ابراهیم وذكر اخاه محمد بن ابراهیم فقال رحمة الله عليه ورضوانه اني لارجوان يكون له يوم القيامة موقف يغبط به على انه كان يقول بشي من التشبيه وذلك عندهم انه لا يقول بخلق القرآن وكان يكثر الترحم عليه ما لا احصيه ورثاه بابيات كتبته عنه ومن ذلك ان عبدالله بن موسى ذاكرته هذا الامر وذكرته له القاسم بن ابراهیم، فقال عبدالله وددت انه فعل حتى اكون اول من وضع يده في يده. قال عبدالله: وقد بلغني انه يقول بخلق القرآن ولم اسمع منه...».

محمد بن منصور مرادی در کتاب الجملة، شواهد دیگری از عقاید متفاوت میان زیدیه آورده که تأکید همه آنها بر عدم تکفیر دو طرف ماجراست. مرادی از عمرو بن هشتم مرادی که از بزرگان اصحاب سلیمان بن جریر بوده و خود قائل به خلق قرآن بوده و بر آن اصرار فراوان نیز داشته: (وشدد في ذلك) این مطالب را که خود از او شنیده نقل کرده است: عمرو بن هشتم مرادی می گفته که خداوند ابن ابی داود را رحمت نکند، چرا که مردم بر اعتقادی بودند که آن ها را به خدا هدایت می کرد و او با طرح اندیشه محنت و قدم و مخلوق بودن قرآن، آنها را به اختلاف افکند. مرادی همچنین در ادامه نقل کرده که عمرو بن هشتم، بشر بن حسن و محمد بن یحیی حجری که از دعوات عبدالله بن موسی بودند و جملگی قائل به مخلوق بودن قرآن، از سوی عبدالله بن موسی، برای دعوت طاهر بن حسین به پذیرش امامت عبدالله بن موسی فرستاده شده بودند، در حالی که هم عبدالله بن موسی از عقیده بشر و دوستانش آگاه بود و هم بشر و دوستانش از عقیده عبدالله بن موسی: (... مع معرفة عبدالله بقول بشر ومعرفة بشر بعبدالله وقول بالجل، فلم ار احداً من هؤلاء دان بالبراءة من خالفه في المقالة). محمد بن عبدالله اسکافی از زیدیان قرن سوم، که خود قائل به خلق قرآن بوده، نقل کرده، هنگام قیام بر روی پرچم های خود به منظور حفظ یک پارچگی می نوشته اند: لا اله الا الله، محمد رسول الله، القرآن كلام الله.<sup>۱</sup>

۱ همچنين بنگريد به: سيد حسين مدرسي طباطبائي، مكتب در فرايند تكامل، ص ۲۶۳-۲۶۴.





محمد بن منصور مرادی با نقل مطالب اخیر در صدد بیان این مطلب است، که ائمه زیدیه با وجودی که خود از بیان موضع صریحی در مسئله خلق قرآن اجتناب می کرده اند، در خصوص دیدگاه های هواداران خود نیز قائل به برائت یا تکفیر آنها نبوده اند.

نکته مهمی که در نقل برخی مطالب محمد بن منصور مرادی وجود دارد، می تواند پرتوی تازه بر مسئله امامت قاسم بن ابراهیم رسی بیفکند؛ بر اساس آنچه که مرادی آورده، عبدالله بن موسی بن حسن، معاصر قاسم بن ابراهیم، شخصی بوده که به امامت شناخته می شده و محل توجه جدی افراد مختلف از زیدیه و معتزله بوده و او را به قیام دعوت می کرده اند، در حالی که سخنی از قاسم بن ابراهیم رسی و دعوت او به امامت نیست. نکته اخیر با آنچه که درباره سیره قاسم بن ابراهیم می دانیم تطابق دارد و نشان روشنی از ادعای او به امامت در دست نیست و معرفی شدن او به عنوان امام، مطلبی است که در میان زیدیه، مدت ها پس از مرگ او پدید آمده است، در حالی که گزارش های فراوانی در منابع دیگر، درباره تلاش های عبدالله بن موسی برای قیام و یا مکاتبات او با افراد مختلف و دعوت برای قیام، نکته ای است که حتی ابوعبدالله علوی در گزارش خود مورد تاکید قرار داده و در منابع دیگر نیز اشارات فراوانی به آن آمده است.<sup>۱</sup> مرادی در فرازی از کتاب الجملة در اشاره به عدم تکفیر نمودن قائلان به قدم قرآن یا کسانی که عقیده به مخلوق بودن قرآن ابراز نمی کرده اند، می نویسد:

«قال محمد: وقد عاشرت رؤساء المعتزلة ومن لا احصى منهم من يقول بهذا القول ومنهم جعفر بن حرب وجعفر بن مبشر القصبی ومحمد بن عبدالله الاسکافی فما سألتني احداً منهم قط عما يختلف الناس فيه من امر القرآن والاستطاعة ولا كشفوني عن شيء من ذلك، فاخبرني ابوسهل الخراساني انه كان رسول سهل بن سلامة وهو من كبار المعتزلة وعبادهم الى عبدالله بن موسی يدعون أن يتقلد هذا الامر ويكون سهل عوناً عليه...».

۱ برای مثال بنگرید به: ابوحیان توحیدی، البصائر و الذخائر، ج ۲، ص ۷۴-۷۵ (صعد عبدالله بن موسی بن عبدالله بن الحسن بن الحسن منبر المدينة و كان قد هم بالخروج...). مأمون بعد از به شهادت رساندن امام رضا علیه السلام برای عبدالله بن موسی نامه نوشته بود و از او خواسته بود تا به نزدش برود تا با وی بیعت کند. عبدالله بن موسی در نامه ای بلند به مأمون پاسخ داده بود و ضمن دفاع از اینکه اساساً خلافت حق شرعی اوست، به اینکه مأمون، امام رضا را با انگور زهر آلود مسموم کرده بود، تصریح کرده است. نامه اخیر در کتاب النسب یحیی بن حسن علوی عقیقی (متوفی ۲۷۷) آمده و ابوالفرج اصفهانی بخش هایی از آن را در شرح حال عبدالله بن موسی در کتاب مقاتل الطالبیین، تحقیق کاظم مظفر (نجف، ۱۳۸۵/۱۹۶۵)، ص ۴۱۵-۴۱۷ آورده است.



عبارت اخیر دو دلالت دارد؛ نخست آنکه بزرگان معتزله با وجود عقیده به مخلوق دانستن قرآن، از بزرگان زیدی که عقیده ای جز آن داشتند، به قیام دعوت می کرده اند که مرادی به دعوت سهل بن سلامه از عبدالله بن موسی اشاره کرده است. نکته بعدی این است که عبدالله بن موسی، معاصر قاسم بن ابراهیم مرکز توجه بوده و انتظار قیام از سوی او می رفته است. محمد بن منصور مرادی پس از نقل مطالب اخیر اشاره دارد که اما اکنون در روزگار او یعنی زمانی که کتاب الجملة را تألیف می کند، بازار تکفیر رایج است و گروه های مختلف به تکفیر یکدیگر می پردازند.

موارد نقل شده توسط ابوعبدالله علوی، جملگی بر این معنی دلالت دارند که تمایل رسمی در میان زیدیان قرن سوم، پرهیز از مخلوق یا قدیم خواندن قرآن بوده و با تاکید بر این مطلب که قرآن کلام خدا و وحی اوست، از هواداران خود می خواستند که در این مسئله اظهار نظر نکنند و در مواجهه با قائلین به قدم یا مخلوق بودن قرآن، از تکفیر و کافر خواندن آنها اجتناب می کرده اند. نقل قول های متعددی که محمد بن منصور مرادی که همنشین و همصبحث قاسم بن ابراهیم برای مدت طولانی بوده نیز، همین رویکرد را نشان می دهد. اهمیت مطالب اخیر در این است که می تواند معیاری برای ارزیابی یکی از رساله های منسوب به قاسم بن ابراهیم رسی گردد؛ رساله العدل و التوحید که در ضمن مجموعه رسائل قاسم بن ابراهیم رسی منتشر شده است.<sup>۱</sup> همانگونه که مادلونگ اشاره کرده در میان شماری از آثار منسوب به قاسم بن ابراهیم خاصه در مجموعه رسائل او، آثاری هست که نمی تواند از آن قاسم بن ابراهیم رسی باشد.<sup>۲</sup>

این مطلب که از چه زمانی آثار اخیر به قاسم بن ابراهیم نسبت داده شده، تنها شاهد تاریخی ما مجموعه ای از رسائل قاسم بن ابراهیم است که در ۵۴۴ کتابت شده و مشتمل

۱ بنگرید به: قاسم بن ابراهیم رسی، مجموع کتب و رسائل الامام القاسم بن ابراهیم الرسی، دراسة و تحقیق عبدالکریم احمد جدیان (صنعاء، ۲۰۰۱/۱۴۲۲)، ج ۱، ص ۵۸۱-۶۲۸. محمد عماره رساله العدل و التوحید قاسم بن ابراهیم را در مجموعه رسائل العدل و التوحید (قاهره، ۱۹۷۱)، جلد نخست بدون بحثی درباره انتساب یا عدم انتساب آن به قاسم بن ابراهیم منتشر کرده است.

2 See: Wilferd Madelung, "Imam al-Qasim Ibn Ibrahim and Mutazilism," in Ulla Ehrens-vård and Christopher Toll, eds., on Both Sides of al-Mandab: Ethiopian, South-Arabic and Islamic Studies Presented to Oscar L öfgren on his Ninetieth Birthday (Stockholm, 1989), p.41-48.

بر همین رسائل متداول است، که جملگی به قاسم بن ابراهیم نسبت داده می شود. در رساله العدل و التوحید قاسم بن ابراهیم به صراحت از عقیده به خلق قرآن سخن می گوید و از کفر و مشرک خواندن کسانی سخن می گوید که خلق قرآن را قبول ندارند؛ به وضوح می توان عقیده اخیر را با نظرات مختلف نقل شده از محمد بن منصور مرادی که مدت طولانی همنشین قاسم بن ابراهیم رسی بوده و از قول او مطالبی در خصوص مسئله خلق قرآن نقل کرده، در تعارض دید. به دیگر سخن، عقیده صریح تکفیر و مشرک خواندن قائلان به قدم قرآن و دفاع از عقیده به خلق قرآن، با مطالب متعددی که مرادی از قول قاسم بن ابراهیم رسی در این مسئله نقل کرده و دیدگاه رایج میان زیدیه و بزرگان آنها در احتراز از ورود به این مسئله و تکفیر دو طرف دعوا، در تعارض است و نویسنده رساله اخیر نمی تواند قاسم بن ابراهیم رسی باشد که به صراحت قائلین به قدم قرآن را تکفیر کرده و از عقیده به خلق قرآن دفاع کرده است. رساله اخیر به ادوار بعدی تعلق دارد که زیدیه نیز همچون معتزله در مسئله خلق قرآن، جانب مخلوق بودن قرآن را گرفته و به تکفیر عدم قائلین به آن نظر داده است.

ظاهراً کاتبی زیدی که مجموعه ای از رسائل قاسم بن ابراهیم را کتابت کرده، رساله اخیر را به تصور آنکه از قاسم بن ابراهیم رسی است، در ضمن رسائل وی کتابت کرده و از آنجایی که در قرن چهارم به بعد عقیده به خلق قرآن در میان زیدیه رواج یافته بود، باعث شد تا تردیدی در انتساب آن به قاسم بن ابراهیم پدید نیاید. مطالب متعددی که ابو عبدالله کوفی از رجال زیدی و ائمه آنها در قرن سوم، درباره عقیده به خلق قرآن نقل کرده، نشان از این دارد که نویسنده رساله العدل و التوحید از زیدیان قرن چهارم است که عقیده خلق قرآن در میان زیدیه رواج یافته بود و عدم قائلین به آن را کافر می دانسته اند. در سنت زیدیه آنچه که امروز به عنوان آثار و تألیفات قاسم بن ابراهیم در اختیار ما قرار دارد و شناخته می شود، در قالب مجموعه رسائل است که کهنترین آنها در کتابخانه برلین به شماره ۴۸۷۶ با تاریخ کتابت شعبان ۵۴۴ موجود است. دست کم بر اساس مجموعه اخیر می توان گفت که آثار تدوین شده در مجموعه اخیر، جملگی به عنوان آثار قاسم بن ابراهیم رسی تلقی شده، اما اکنون به لطف پژوهش های متن شناسی و بررسی محتوی آثار قاسم بن ابراهیم، مانند کتاب العدل و التوحید می توان با اطمینان گفت که





بخشی از آثار آمده مجموعه رسائل قاسم بن ابراهیم تألیف او نیست. از این رو باید در بررسی افکار و اندیشه های قاسم بن ابراهیم به این مطلب توجه کرد.

ابوحیان توحیدی (متوفی ۴۱۴) که یک نسل پیش از ابو عبدالله کوفی می زیسته است، به نامه ای که مأمون به عبدالله بن موسی بن عبدالله بن حسن نوشته و از او درباره عقیده اش درباره خلق قرآن پرسش کرده، اشاره کرده است. توحیدی سپس در ادامه متن کامل پاسخ عبدالله بن موسی به مأمون نقل کرده است. ابو عبدالله علوی نیز متن نامه ای که از نظر متن به نوشته حاضر شباهت بسیاری دارد، در ذیل بحث از مسئله خلق قرآن آورده، جز آنکه در آنجا گفته که قاسم بن ابراهیم رسی به عبدالله بن موسی نامه نوشته و در خصوص مسئله خلق قرآن از وی پرسش کرده است.<sup>۱</sup> ابوالفرج اصفهانی درباره نامه نگاری میان مأمون و عبدالله بن عیسی مطالبی آورده است که مؤیدی است بر درستی گزارش نقل شده توسط ابوحیان توحیدی. گزارش ابوحیان توحیدی از ماجرای اخیر درباره نامه نگاری میان مأمون و عبدالله بن موسی چنین است:

«کتب المأمون إلى عبدالله بن موسی (بن عبدالله) بن الحسن ابن الحسن بن علي بن أبي طالب عليهم السلام، يسأله عن القرآن وما يقول فيه. فكتب إليه عبدالله: عافانا الله وإياك من كل فتنة، فإن يفعل فأعظم بها منة، وإن لم يفعل فهي كالهلكة. نحن نرى الكلام في القرآن بدعة اشترك فيها السائل والمجيب، فتعاطي السائل ما ليس له، وتكلف المجيب ما ليس عليه، ولا خالق إلا الله عز وجل، وما دون الله تعالى فهو مخلوق، والقرآن كلام الله تعالى. فانتبه بنفسك والمخالفين إلى أسمائه التي سمّاه الله عز وجل بها تكن من المهتدين، ولا تُسمّ القرآن باسم من عندك فتكون من الضالين، وذروا الذين يلحدون في أسمائه سيجزون ما كانوا يعملون (الأعراف، ۱۸۰)، جعلنا الله وإياك من الذين يخشون ربهم بالغيب وهم من الساعة مشفقون (الأنبياء، ۴۹)»<sup>۲</sup>.

۱ «...قال سمعت الحسين بن الحكم بن مسلم يحدث ان القاسم كتب الى عبدالله بن موسى بن عبدالله بن الحسن يسأله عن القرآن، فكتب اليه عبدالله نحن نرى ان الكلام في القرآن بدعة يشترك فيها السائل والمجيب، فيعاطي السائل ما ليس له ويكلف المجيب ما ليس عليه، فانتبه بنفسك والمختلفون في القرآن الى اسمائه التي سمّاه الله بها، تكن من المهتدين فلا تسم القرآن باسماء من عندك، فتكون من الذين يلحدون في اسمائه سيجزون ما كانوا يعملون».

۲ ابوحیان علی بن محمد توحیدی، البصائر و الذخائر، تحقیق و داد القاضی (بیروت، دار صادر، ۱۹۸۸/۱۴۰۸)، ج ۷، ص ۱۲۰-۱۲۱.

## اطلاعی درباره سفر حج شیخ بهایی

به لطف تحقیق بلند دون استوارت درباره سفر حج شیخ بهایی، اکنون می دانیم که این سفر در ۹۹۱ آغاز شده و در ۹۹۳ به پایان رسیده است.<sup>۱</sup> شیخ بهایی در راه بازگشت از دمشق خود را به حلب و از آنجا به قصد شهر آمد، مرکز دیاربکر حرکت کرده است. برای بازگشت به ایران از آمد باید به شهر وان و سرانجام به تبریز می رفته اند. شیخ بهایی نیز در راه بازگشت توقف کوتاهی در تبریز داشته است. در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مجموعه ای به شماره ۶۹۶۹ موجود است که رساله اول آن اربعین حدیث شهید اول است. نسخه را شخصی به نام ملک حسین بن ملک علی تبریزی، در میانه ربیع الاول ۹۹۳ کتابت کرده است: (... تَمَّتْ عَلِي يَدِ احقر عباد الله الغني ملك حسين بن ملك علي التبريزي عنى الله عنهما في البلدة المذكورة في منتصف ربيع الاول من شهور سنة ثلاث وتسعين وتسعمائة من الهجرة النبوية).

ظاهراً مالک نسخه کسی به نام ملا جمشید باشد که اندکی بعد، زمانی که شیخ بهایی به تبریز رسیده، فرصت را مغتنم شمرده و نسخه اربعین را نزد ایشان خوانده و از وی اجازه روایت دریافت کرده است. در کنار انجامه اربعین شهید اول، شیخ بهایی به خط خود اجازه روایت کتاب را برای ملا جمشید چنین نوشته است:

«هو؛ سمع جميع هذه الاحاديث على الشاب الدين مولانا جمشيد وفقه الله تعالى و قد اجزت له أن يرويها عنى عن والدى حسين بن عبدالصمد - قدس الله روحه - عن شيخنا الشهيد الثانى، الشيخ زين الدين - طاب ثراه - عن الشيخ على بن عبدالعالي الميسى - رحمه الله - عن الشيخ محمد بن داود المؤذن - رفع الله قدره - عن الشيخ ضياء الدين على - نور الله مرقده - عن والده الشيخ السعيد الشهيد مؤلف الاحاديث المذكورة محمد بن مكي - رضى الله عنه -، فليرو ذلك لمن شاء و أحب؛ حرره الفقير الى الله الغنى بهاء الدين محمد بن حسين العاملى وفقه الله لمراضيه فى رابع شهر جمادى الاولى سنة ۹۹۳ بمحروسة تبريز حفت بالنصر العزيز والحمد لله وحده و صلى الله على سيدنا محمد وآله».

۱ بنگرید به: دون استوارت، «تقیه در عمل: سفرهای بهاء الدین عاملی در قلمرو عثمانی (۹۹۱-۹۹۳/۱۵۸۳-۱۵۸۵)»، همو، شهید ثانی: زندگی، آثار و زمانه، ترجمه محمد کاظم رحمتی (تهران: نگارستان اندیشه، ۱۳۹۹ش)، ص ۲۴۱-۲۷۰.





## شهید اول و اطلاعی دربارهٔ سالهای پایانی زندگی او

از میان عالمان احسانی مهاجر به ایران در عصر صفویه، شخصی است به نام محمد بن منصور بن ناصر احسانی که آثاری را کتابت کرده است. از جمله آنها نسخه‌ای از کتاب الدروس الشرعية شهید اول است که به شماره ۸۷۲۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. محمد بن منصور احسانی از کتابت نسخهٔ اخیر در روز دوشنبه ۲۵ رجب ۱۰۳۶ فراغت حاصل کرده و در پایان جزء اول و آخر کتاب، نکاتی در خصوص نسخهٔ اساس کتابت خود آورده است. او در خصوص نسخهٔ اساس کتابت خود متذکر شده که نسخه کتابت شده توسط فرزند بزرگ شهید اول، به نام رضی الدین ابوطالب محمد جزینی<sup>۱</sup> بوده که برای سومین بار در قاعة میدانیة در روز دوشنبه پایان محرم سال ۷۸۴ یعنی در زمان حیات پدرش شهید اول (متوفی ۷۸۶) آن را کتابت کرده است.<sup>۲</sup> قاعة یکی از محلات محلّه میدانیة، از محلات دمشق است. کاتب نسخهٔ اخیر در پایان جزء اول در اشاره به تاریخ فراغت شهید اول از تألیف کتاب الدروس الشرعية چنین نوشته است:

«... صورة خط المصنف قدس الله سره آخر الجزء الاول من كتاب الدروس ويتلوه ان شاء الله تعالى الجزء الثاني كتاب المكاسب وكان فراغه آخر نهار الاربعاء لاثني عشر ليلة خلت من شهر ربيع الآخر سنة اربع وثمانين وسبعماية والله تعالى المسؤول بفضله وطوله بحق محمد واهله ان تصلي عليهم وان يوفق لاتمامه بخير والحمد لله رب العالمين تمّ بخير والله الحمد.

الخارج من الجزء الثاني من كتاب الدروس الشرعية على مذهب الامامية، تصنيف الامام الاعلم السعيد الشهيد المكرم الذي فاق العلماء بشهادته والشهداء بعلمه وزهادته، خاتمة المجتهدين، وارث علوم المرسلين، شمس الملة والحق والدين ابي جعفر محمد بن المرحوم السعيد شرف الدين مكي رفع الله درجته واعلا منزلته وشرف مرتبته وعدا عليه حقه انه لا يخلف

۱ برای شرح حال رضی الدین ابوطالب محمد بن محمد بن مکی جزینی بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۵، ص ۱۷۹-۱۸۰.

۲ نام کاتب در فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به صورت محمد بن منصور بن ناصر بن علی ناصر آمده (محمد تقی دانش پژوه، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۴ش)، ج ۱۷، ص ۲۰۳) که ظاهراً ناشی از بدخوانی است و صورت صحیح آن کما اینکه در نسخهٔ الشرائع کتابت شده، توسط همین کاتب در کتابخانه آیت الله گلپایگانی به تاریخ رمضان المبارک ۱۰۴۵ آمده، باید محمد بن منصور بن ناصر بن علی بن وحید باشد. بنگرید به: علی صدرایی خویی و ابوالفضل حافظیان بابلی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی آیه الله گلپایگانی (قم) (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ش)، ج ۵، ص ۲۳۸۵.

الميعاد بحق محمد وآله الطاهرين والحمد لله رب العالمين، تَمَّتْ؛ وفق لتسويد هذا الكتاب المبارك اقل العباد قدراً وأكثرهم فقراً الى رحمة ربه الغفور محمد بن منصور بن ناصر بن وحيد الاحسائي غفر الله له ولوالديه ولجميع المؤمنين انه هو الغفور الرحيم ومتعه به طويلاً وكان حافظاً له وكفياً آمين آمين آمين والحمد لله رب العالمين وصلى الله على احب (؟) خلقه محمد وآله الطاهرين ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم».

اشاره آمدہ در نسخه اساس كتابت محمد بن منصور احسايي، توسط محمد بن محمد بن مكي كه كتاب الدروس الشرعية را سه بار كتابت کرده نیز جالب توجه است. درباره شهيد اول دانسته است كه اواخر عمرش ظاهراً در دمشق اقامت داشته و در همان ايام بود كه براي در امان بودن از خطرات احتمالي، از ابن جزري (متوفى ۸۳۳) عالم شافعي نامور دمشقي به شكل مكاتب درخواست اجازه کرده بود و در آن اجازه خود را شافعي معرفی کرده بود. ۱. انجامه پایانی نسخه ۸۷۲۰ نیز چنین است كه البته بخشی از آن متأسفانه زیر وصالی رفته و نمی توان خواند، اما آنچه كه از انجامه خوانا می باشد، چنین است:

«... آخر ما وجدت من هذا الكتاب بخط مصنفه والدي عليه مني السلام وانتظم اندراجہ ثالث مرة تعليقاً لنفسه ... القدير بالقاعة الميدانية تحريراً يوم الاثنين تضوع نشره والشهر المحرم كاد ان ينطوى نشره موافقاً لشهر الرومي ... سبعمائة انظم اليه مع احد وثمانين عشر انتظاماً اخذت اطرافه ونوع اضافه العبد المحتاج الى الصمد ولده الاكبر محمد سئل مآربه وحصل مطالبه بمحمد وآله ... الاكرمين صلوات الله عليهم اجمعين».

اتفق تنميق هذا الكتاب المبارك الشريف المسمى بالدروس على يد العبد ... بحر الخطايا المحتاج الى رحمة ربه العزيز الغفور محمد بن منصور بن ناصر بن علي بن ناصر ... منشأً ومولداً ومسكناً غفر الله له ولوالديه ولجميع المؤمنين والمؤمنات انه ولي ... يوم الاثنين ۲۵ من شهر الرجب المرجب احد شهر سنة ۱۰۳۶ السادسة وثلاثين بعد الالف من الهجرة النبوية على مهاجرها افضل الصلوات واكمل التحيات وعلى جميع الانبياء والمرسلين وللائمة المعصومين ورجاله الصالحين

۱ بنگريد به: محمد بن محمد مشهور به ابن جزري، غاية النهاية في طبقات القراء، ج ۲، ص ۲۶۵. ابن جزري (همانجا) از اقامت شهيد اول در دمشق برای مدت طولانی سخن گفته و با شهيد مرآوده نیز داشته است: (صحبي مدة مديدة، فلم أسمع منه ما يخالف السنة).

۲ احتمالاً در اینجا کلمه الاحسائي نوشته شده باشد كه متأسفانه زیر وصالی رفته و از بین رفته است، اما به قرينه آنچه كه در انجامه نخست در تصريح به احسائي بودن كاتب آمده، عبارت باید چنین باشد. كاتب در اين فراز تصريح به اين دارد كه زادگاهش احساء است و در همانجا نیز سكونت دارد.



آمین آمین آمین برحمتک یا ارحم الراحمین هذه ما وجدت:  
ألا يا ناظراً فيه بخير تأمله بعده العيوب  
و امسک ان رایت به عیوباً فاین السالمین من العیوب».

### تاریخ یعقوبی و نسخه تازه یاب آن

از منابع مهم در تاریخ نگاری اسلامی، تاریخ یعقوبی است که به دلایل متعددی اهمیت دارد. تنها نسخه شناخته شده از آن، نسخه کتابخانه کمبریج با تاریخ کتابت ۱۰۹۶ است که از آغاز افتادگی دارد و در فهرست کتابخانه کمبریج نیز به شکل نادرستی معرفی شده بود و همین باعث شده بود تا از نظرها بدور بماند. حسن تفتن هوتسما و تلاش های او به چاپ تاریخ یعقوبی در لایدن به سال ۱۸۸۳ منتهی شد. بر اساس همان تصحیح هوتسما، چاپ هایی دیگری نیز از تاریخ یعقوبی در نجف و بیروت انجام شده است. خوشبختانه اکنون نسخه کهنتری از تاریخ یعقوبی بدست آمده است؛ نسخه ای که در کتابخانه جان ریلندز شهر منچستر به شماره ۲۳۱ است. نسخه اخیر گرچه بدون تاریخ است، اما کهنتر از نسخه کتابخانه کمبریج است و بر اساس نوع کاغذ آن، احتمالاً از قرن هشتم است. با این حال نسخه اخیر نیز ناقص است و با همان آغازی که نسخه کمبریج شروع شده، آغاز می شود: (علی آدم فلم يطاوعه شي مما خلق الله جل وعز الا الحية، فلما رای آدم ما في الجنة من النعيم ...)، که دلالت بر این دارد هر دو نسخه از روی نسخه مادر مشترکی کتابت شده اند و به یک خانواده تعلق دارند، حتی شاید نسخه جان ریلندز اساس کتابت نسخه کمبریج باشد.<sup>۱</sup> در هر حال آلفونس مینگانا که نسخه کتابخانه جان ریلندز را معرفی کرده، متذکر شده که نسخه اخیر می تواند برای تصحیح مجدد و رفع برخی اشکالات و افتادگی های نسخه کمبریج به کار آید. با این حال از زمانی که فهرست نسخه های خطی کتابخانه جان ریلندز در ۱۹۳۴ منتشر شده، تاکنون تلاشی برای تصحیح مجدد تاریخ یعقوبی با بهره گیری از نسخه اخیر صورت نگرفته است.<sup>۲</sup>

۱ برای مقایسه مواردی از نسخه های کمبریج، جان ریلندز و تصحیح انجام شده توسط هوتسما بنگرید به:  
T.M. Johnstone, "An Early Manuscript of Ya'kūbī's Tārikh," *Journal of Semitic Studies* 2 (1957), pp. 190-195.  
۲ A. Mingana, *Catalogue of the Arabic Manuscripts in the John Rylands Library* (Manchester, 1934), no. 231, col. 372.

